

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسمان سیاسی

ویژه پاسخ به پرسش ها و شبهات مرتبط با مجلس خبرگان رهبری

مقدمه

انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری به همراه دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در یازده اسفند سال جاری برگزار می‌شود. نظر به تلاش دشمنان انقلاب و ایران اسلامی در راستای جنگ شناختی برای تغییر باورها، ذهنیت‌ها، واقعیت‌ها و محاسبات مسئولان، مردم و به ویژه جوانان عزیز و برانگیختن آنها علیه انقلاب و نظام اسلامی با انگارہ‌سازی غیرواقع از دستاوردها و حقایق پیشرفت کشور و احاله دادن پاره‌ای مشکلات و کاستی‌هایی که امروز در حوزه اقتصاد و معیشت مردم مشاهده می‌شود، ابهامات، شبهات و سؤالاتی در بخش‌های مختلف خدماتی، عملکرد برخی مسئولان و نهادهای انقلابی از جمله مجلس خبرگان رهبری به صورت روزانه در اتاق‌های فکر دشمنان تولید و در جامعه از طریق رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی توزیع می‌شود. البته ممکن است بخشی از مردم و جوانانی هم باشند که واقعاً سؤال و شبهه داشته باشند.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب، علاج واقعی جنگ شناختی دشمن در شرایط امروز تنها و تنها در گرو اقدام به جهاد تبیین و روشنگری است. جهاد تبیین ذهن شبه‌زده را روشن می‌کند و پرده‌های فریب، اغواگری، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی دروغین دشمن در باره اصل انقلاب، دستاوردهای آن، عملکرد نهادهای انقلاب و راه طی شده تا رسیدن به نزدیکی قله‌ها را کنار می‌زند. این نتیجه ممکن نیست مگر اینکه اقناع و تنویر افکار عمومی را امری ضروری و فوق‌العاده حیاتی در نظر بگیریم و به پرسش‌ها و شبهات با حوصله، به اختصار، مستند و مستدل پاسخ دهیم.

از این رو، معاونت تبیین و گفتمان سازی در موعد حدود دو ماه باقی مانده به زمان برگزاری انتخابات، فرصت را مغتنم می‌داند که در راستای جهاد تبیین و روشنگری و در جمع‌های مختلف، بویژه مسئولین و جهادگران تبیین و سایر قشرهای جامعه به بخشی از مهم‌ترین پرسش‌ها و شبهات مرتبط با مجلس خبرگان رهبری - که یکی از ارکان رکن نظام جمهوری اسلامی است و نقش راهبردی در خصوص رهبری جامعه بر عهده دارد- به صورت اقناعی پاسخ دهد و این پرسمان سیاسی را برای بهره‌برداری در اختیار جامعه مخاطب قرار دهد. از آثار مهم جهاد تبیین، افزایش مشارکت مردم در انتخابات و در وهله بعد دست زدن به انتخابی هدفمند و آگاهانه است امید است خداوند متعال همانند چهار دهه گذشته این بار هم مددسان مردم ما در برگزاری انتخابات و انتخاب مطلوب باشد و بافته‌های دشمنان را نقش بر آب کند. ان شاء الله و بفضله.

الف) جایگاه مجلس خبرگان رهبری

1- چه نیازی به تشکیل مجلس خبرگان رهبری داریم؟ (مبنای فقهی شکل‌گیری مجلس خبرگان رهبری چیست؟)

بر اساس نظریه مردم سالاری دینی، در زمان غیبت امام معصوم (ع) آنکه حق دارد بر صندلی قدرت بنشینند و رهبری و هدایت جامعه اسلامی و نظام دینی را بر عهده بگیرد، فقیه جامع‌الشرایطی است که رضایت مردم را کسب کرده باشد. در این میان، مجلس خبرگان رهبری آن مجمع عالی است که مجتهدان عادل را که با رأی مردم انتخاب شده‌اند، با بررسی‌های دقیق خود از میان صاحبان صلاحیت رهبری - مطابق با آنچه در شرع مقدس آمده - آن کس که بیش از دیگران از فقاہت و عدالت و درایت برخوردار است، به عنوان ولی امر مسلمین و ولی فقیه برمی‌گزینند. این مجلس اعتبار خود را از شرع مقدس، قانون اساسی و انتخاب مردم کسب کرده و وظیفه دارد مطابق با قانون به وظیفه خود عمل کند.

در سوگندنامه خبرگان آمده است: «سوگند یاد می‌کنم از ودیعه‌ای که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در ایفای وظیفه سنگینی که بر عهده داریم، یعنی تشخیص و معرفی بهترین فرد برای مقام والای رهبری امت و در حراست از این منصب الهی و حفظ آن از هرگونه خطری خود را در پیشگاه مقدس خداوند مسئول بدانم.» این عبارات به خوبی نسبت مجلس خبرگان را با شرع و مردم و قانون مشخص می‌کند.

نکته قابل ملاحظه در این زمینه توجه به این حقیقت است که رجوع به افراد خبره و کارشناس، سیره و اصلی عقلایی و رایج در میان مردم است و همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن دین، نژاد و ملیت، در انجام اموری که تخصص ندارند، به متخصصان آن امر رجوع می‌کنند؛ چنانکه برای گزینش مهندس مُتبحر یا پزشک حاذق، به متخصصان آن امر رجوع می‌شود و هرگز در این زمینه به رأی عمومی اکتفا نمی‌شود و حتی خود پزشکان هم گاهی ممکن است به پزشکان متخصص دیگری مراجعه کنند و نظر آنان را معتبر بدانند. در جهان امروز نیز به جهت گسترش علم و تخصصی شدن مسائل و رشته‌های علمی، عمل به این اصل عقلانی اهمیت بیشتری پیدا کرده است و اگر این نباشد، اصل نظام اجتماعی و زندگی بشر، مختل می‌شود. از سوی دیگر، رجوع به خبره و کارشناس نه تنها امری عقلانی است؛ بلکه مورد تأیید و تأکید آموزه‌های اسلامی است. رهبر معظم انقلاب درباره جایگاه این مجلس می‌فرمایند: «مجلس خبرگان پایگاه و جایگاه بسیار رفیع و با عظمتی دارد، در حساس‌ترین و خطرناک‌ترین لحظات زندگی ملت و نظام ما این مجلس است که باید به داد ملت برسد، این منتخبان ملتند که باید در آن لحظه خطیر دین خودشان را به ملت ایفا کنند.»

در هر صورت فلسفه وجودی و ضرورت مجلس خبرگان و جایگاه آن در کشور، با توجه به مبانی فقهی و حقوقی آن و موضوعاتی، نظیر اسلامی بودن نظام سیاسی و لزوم حکومت فقیه، لزوم وحدت در رهبری و حاکمیت فقیه برتر، نقش

مردم در انتخاب رهبری، تخصصی بودن تشخیص مصداق رهبری و لزوم رجوع به افراد خبره و کارشناس و سایر کارکردهای حساس این مجلس در امر نظارت دقیق بر رهبری و برکناری وی در صورت از دست دادن شرایط، انتخاب دقیق، شایسته و سریع رهبری جدید و جلوگیری از بحران جانشینی، تقویت رهبری و تداوم نظام اسلامی، پیوند اسلامیت و جمهوریت، حفظ امنیت، استقلال و آزادی کشور، معنا پیدا کرده و قابل تحلیل و ارزیابی است.

2- مجلس خبرگان رهبری از چه جایگاهی در قانون اساسی برخوردار است؟

قانون اساسی در اصل‌های 107، 108 و 111 به جایگاه و مسئولیت‌ها و ابعاد شکل‌گیری مجلس خبرگان رهبری اختصاص دارد. در اصل 107 درباره جایگاه مجلس خبرگان رهبری آمده است: «خبرگان رهبری در باره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یک‌صدونهم، بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یک‌صدونهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت، یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند.» در جهت اجرای این اصل و شناخت شرایط مذکور در اصل پنجم و یک‌صدونهم قانون اساسی، کمیسیونی مرکب از یازده نفر عضو اصلی و چهار نفر عضو علی‌البدل در مجلس خبرگان تشکیل می‌شود. وظیفه اصلی این کمیسیون، تحقیق درباره همه موارد مربوط به شرایط رهبر، موضوع اصول یاد شده، کسانی که در مظان رهبری قرار دارند و ارائه نتایج حاصله به هیئت‌رئیس برای بررسی مجلس خبرگان است.

اصل 108 وضعیت انتخابات خبرگان رهبری را مشخص می‌کند که در آن آمده است: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به‌وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرا آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد.

از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

اصل 111 به اختیارات مجلس خبرگان درباره عزل رهبري اختصاص دارد: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانوني خود ناتوان شود، یا فاقد يکي از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضي از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و يکي از فقهاي شوراي نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبري را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت يکي از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وي منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه‌چهارم اعضا مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبري ناتوان شود، در این مدت شوراي مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.»

مجلس خبرگان برای اجرای این اصل، دارای کمیسیونی مرکب از یازده نفر عضو اصلي و چهار نفر علي‌البدل است. بستگان نزدیک سببي و نسبي رهبر نمی‌توانند در این کمیسیون عضو باشند. کمیسیون موظف است اطلاعات لازم درباره این اصل را به دست آورده و صحت و سقم گزارش‌های واصله را بررسی کند. اگر دوسوم کمیسیون و هیئت‌رئیس، به تشکیل اجلاس خبرگان برای رسیدگی و عمل به اصل يك‌صدویازدهم رأی دهند، اجلاس خبرگان در اولین فرصت تشکیل می‌شود و پس از بررسی‌های لازم رأی‌گیری انجام می‌گیرد.

در همین راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی سال‌ها پیش در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ضمن اشاره به این جایگاه بی‌بدیل و تعیین‌کننده نهاد خبرگان که با هیچ یک از ارکان حکومتی قابل مقایسه نبوده و در سطحی بالاتر به نقش‌آفرینی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی می‌پردازد، فرمودند: «اجتماع خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی، تعیین‌کننده‌ترین و مهم‌ترین رکن از ارکان این نظام است. هیچ‌کدام از ارکان نظام جمهوری اسلامی -چه آنچه به تقنین و چه آنچه به اجرا و غیر آنها ارتباط پیدا می‌کند- از لحاظ تعیین‌کننده بودن و آثار ماندگاری باقی گذاشتن، به اهمیت این اجتماع نیست. این معنا موجب می‌شود که مسؤلیت این جمع و آحاد تشکیل‌دهنده‌ی آن، عظمت پیدا کند.» (69/4/25)

3- مهم‌ترین وظایف و مسؤلیت‌های مجلس خبرگان رهبری چیست؟

مجلس خبرگان رهبری، نهادی است که به موجب قانون اساسی، سه مسؤلیت مهم درباره رهبری نظام دارد: «انتخاب»، «برکناری» و «نظارت».

الف) انتخاب رهبر: مهم‌ترین وظیفه و مسؤلیت مجلس خبرگان رهبری کشف و انتخاب رهبری است. انتخاب رهبری در ایران، مانند بسیاری از کشورها به صورت دو مرحله‌ای انجام می‌شود؛ مردم در مرحله اول، به خبرگان مورد اعتماد خود رأی می‌دهند و در مرحله دوم، نمایندگان مردم، از فقهای واجد شرایط، بهترین آنان را برای رهبری انتخاب می‌کنند. بسیاری از صاحب نظران، انتخابات دو مرحله‌ای را برای تعیین رهبر مناسب‌تر می‌دانند، زیرا معتقدند افزون بر اینکه نمایندگان مردم، در فضایی به دور از هیجانات و تبلیغات تصمیم‌گیری می‌کنند، تجربه نیز نشان داده که وقتی فردی با رأی مستقیم اکثریت مردم به ریاست می‌رسد، بیشتر در معرض سوء استفاده از قدرت قرار دارد و کشور را به سوی دیکتاتوری پیش می‌برد.

این شیوه، معقول‌ترین راه برای تعیین رهبر است، زیرا در بسیاری از نظام‌های مبتنی بر انتخابات، برای دستیابی به بالاترین مقام اجرایی کشور، اگر داوطلبان از نظر «سن»، «تابعیت» آن کشور و «اقامت» در آن واجد شرایط باشند،

می‌توانند خود را کاندیدای ریاست کنند. این شرایط به سهولت، برای مجریان انتخابات قابل تشخیص است، ولی در نظام اسلامی، رهبری نظام باید از صلاحیت بالایی علمی و شایستگی اخلاقی و قدرت مدیریت برخوردار باشد. همان‌گونه که برای گزینش مهندس متبحر یا پزشک حاذق، مراجعه به رأی عمومی نمی‌تواند راهکار مناسبی باشد و بهتر است این امر به متخصصان آن امر رجوع شود، در گزینش «فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر» نیز این امر به خبرگان منتخب مردم واگذار شده تا آنها به عنوان وکیل مردم انجام وظیفه کنند.

ب) برکناری رهبر: «تداوم رهبری» ولی امر، به «استمرار صلاحیت‌ها و شایستگی‌های» وی بستگی دارد و با فقدان هر یک از شرایط لازم برای رهبری، مشروعیت آن از بین می‌رود. البته برخی از فرق اسلامی عقیده دارند که این شرایط در آغاز مورد نیاز است و پس از تحقق ولایت، هیچ عاملی از قبیل فسق و ظلم، خللی در مشروعیت حاکم پدید نمی‌آورد و نمی‌توان بدین وسیله عقد خلافت و امامت را بر هم زده و حاکم را عزل کرد. ولی شیعه اصرار دارد که با کمترین انحراف، رهبری منصب خود را از دست داده و باید او را برکنار کرد. حضرت امام(ره) می‌فرمایند: «فقیه، اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک قدم بر خلاف بگذارد، ولایت ندارد.» و در جایی دیگر تأکید دارند: «فقیه اگر پایش را این طور بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند از ولایت ساقط است.» در قانون اساسی هم در سه مورد برکناری رهبری پیش‌بینی شده است: 1. ناتوانی از انجام وظایف رهبری؛ 2. از دست دادن یکی از شرایط رهبری؛ 3. کشف فقدان یکی از شرایط از آغاز. در هر یک از این موارد، قانون اساسی، تشخیص و تصمیم را مطابق با اصل یک‌صدویازدهم بر عهده مجلس خبرگان نهاده است.

ج) نظارت بر بقا و استمرار شرایط رهبری: در جامعه اسلامی، دو نوع نظارت بر رهبری وجود دارد؛ نظارت عام مردم که در جهت ایفای نقش «النصیحة لائمة المسلمین» و «امر به معروف و نهی از منکر» انجام می‌گیرد. نوع دیگر،

نظارت نهادینه که نهاد خاصی اعمال می‌کند و پشتوانه «حقوقی» دارد. در این نظارت، صرفاً به ارزیابی وقایع آشکار و موضع‌گیری‌های پیدا اکتفا نمی‌شود، بلکه حق تفحص داشته و می‌تواند از مقام مسئول پاسخ بخواهد.

در نظام اسلامی، رهبری دو مسئولیت «جزایی» و «سیاسی» دارد. از نظر جزایی، تشریفات خاصی برای بررسی اتهامات او در دادگاه وجود ندارد و در اصل يك‌صد و هفتم قانون اساسی تصریح شده که «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.» لذا رسیدگی به تخلفات او مانند سایر شهروندان است؛ در حالی‌که در برخی کشورها مانند آمریکا، رئیس‌جمهور از نوعی مصونیت قضایی برخوردار است و درباره جرایمی از قبیل ارتشا، دادگاه عادی نمی‌تواند رسیدگی کند، بلکه ابتدا کنگره موضوع را بررسی می‌کند و سپس پرونده در مجلس سنا مطرح می‌شود و برای رأی به محکومیت رئیس‌جمهور، رأی دو سوم سناتورها لازم است.

علاوه بر این، در جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان عهده‌دار نظارت بر رهبری است که مستفاد از اصل يك‌صد و یازدهم قانون اساسی است: تشخیص ناتوانی رهبری از انجام وظایف قانونی خود یا فقدان یکی از شرایط بر عهده مجلس خبرگان است؛ زیرا خبرگان مسئولیت «عزل رهبر» را بر عهده دارد. پس لازمه آن نظارت بر توانایی رهبری و استمرار شرایط آن است.

4- آیا اعضای مجلس خبرگان رهبری وکیل ملت هستند یا خیر؟

در نظریه مردم‌سالاری دینی، آن صاحب صلاحیتی حق حاکمیت می‌یابد که از طریق کسب رضایت مردمی مسئولیت بزرگ امانت را بر عهده می‌گیرد. به واقع، مردم به حکمرانی او رضایت می‌دهند. با پذیرش این منطق رضایت مردم نیز در شکل‌گیری حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه یکی از ارکان محسوب می‌شود. با این نگاه آن فقیه جامع‌الشرایطی حق حاکمیت می‌یابد که مردم به او اقبال داشته باشند. این اقبال گاه به طور مستقیم و با حمایت اکثریت جامعه ممکن خواهد بود، همانطور که حضرت امام(ره) با حضور مردم در خیابان و در

سراسر کشور بر جایگاه ولایت فقیه نشست و گاه این امر از طریق نمایندگان مردم دنبال می‌شود که در قالب شکل‌گیری مجلس خبرگان رهبری دنبال می‌شود. در این نگاه اعضای مجلس خبرگان نماینده و وکیل مردم هستند تا مطابق با آنچه اسلام مشخص کرده است، رهبر جامعه اسلامی را شناسایی کرده و به قدرت برسانند. به واقع اعضای خبرگان اعتبار خود را از مردم کسب کرده‌اند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی معتقدند: «این مجلس همچنین مظهر آرای مردم و مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی هم هست؛ یعنی مظهر مردم‌سالاری اسلامی به‌طور کامل و تام و تمام در واقع این مجلس است.» (94/6/11)

5- آیا بهتر نبود که انتخاب مقام رهبری همانند انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان

مجلس با رأی مستقیم مردم صورت می‌گرفت؟

بر اساس مبانی فقهی، وجود کارشناس و متخصص، زمانی ضروری است که مردم برای به دست آوردن مصداق فرد برتر، ناتوان باشند؛ اما اگر واقعیت چنان واضح باشد که نیازی به رجوع به خبرگان و مشورت با آنان نباشد، بدیهی است که مردم می‌توانند به‌طور مستقیم، به فرد مورد نظر رجوع کرده، رهبری او را بپذیرند؛ همان‌گونه که درباره امام خمینی(ره) چنین شد.

اما باید گفت چنین اتفاقی، اگرچه عقلاً امکان‌پذیر است، اما رویه نیست؛ بلکه اساساً انتخاب رهبری امری تخصصی، عقلایی و البته با پیچیدگی‌هایی همراه است. در نتیجه، رجوع به خبرگان، ضرورت عملی و عقلی پیدا می‌کند. به بیان دیگر، اگر بپذیریم که شناخت اعلم از فقها امری تخصصی است و کسی که دارای این تخصص نیست، به سختی می‌تواند او را شناسایی کند، پس در مقام عمل، تا زمانی که معرفی خبرگان و متخصصان امر نباشد، توده مردم به‌افضلیت فرد پی نخواهند برد. لذا مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ترجیح انتخاب غیرمستقیم بر مستقیم، تخصصی بودن تشخیص مصداق رهبری است. رهبری يك جامعه، که دارای شئون گوناگونی در سیاست، فرهنگ، اقتصاد، جنگ و صلح و بحران‌های منطقه‌ای و جهانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است، امری

کاملاً تخصصی و پیچیده است. بر این اساس، تشخیص رهبری باکار آیی مطلوب و شرایط لازم، که از اسلام گرفته شده‌اند، دشوار است؛ به ویژه اگر دارندگان شرایط، متعدد باشند که در این صورت، تشخیص اصلح، پیچیدگی کار را بیشتر می‌کند.

6- ما معتقدیم ولی فقیه ذیل جایگاه امامت تعریف می‌شود. با این نگاه، آیا وجود

خبرگان رهبری یا نظارت آنها بر رهبری در تعارض با اصل امامت نیست؟

شاید بحث بر سر نظارت عمومی جامعه اسلامی بر عملکرد امام معصوم (ع) موضوعی باشد که نتوان برای آن دلایلی اقامه کرد که مورد پذیرش و اجماع عموم باشد، اما بدون شک برای غیرمعصوم این نظارت پذیرش خواهد داشت؛ چرا که هر جا امکان خطا باشد، نظارت معنا می‌یابد. این سؤال شاید به این علت طرح می‌شود که بین «قداست» رهبری و «نظارت» نوعی تناقض دیده می‌شود و پذیرش یکی موجب رد دیگری تلقی می‌شود؛ اما این تصور اشتباه است؛ چرا که نظارت نه منصب شرعی را نفی می‌کند، نه حیطة تصمیم‌گیری آن را محدود می‌سازد و نه موجب ترک اطاعت می‌شود، بلکه نظارت ابزاری برای مصونیت از انحرافی است که می‌تواند دامنگیر هر صاحب منصبی شود، آن‌گاه که بشر همواره در معرض انحراف، فساد و ... است. لذا نظارت، ابزاری برای حفظ و صیانت از جامعه و حکومت اسلامی است و نه تنها منافاتی با اقتدار، عزت، قداست و اعتبار رهبری ندارد، بلکه به طور غیرمستقیم مقوم و مؤید آن است.

ب) سازوکارهای مجلس خبرگان رهبری

7- مجلس خبرگان از چه ساختاری برخوردار است؟

مجلس خبرگان، از دو بخش هیئت رئیسه و کمیسیون‌ها تشکیل می‌شود:

الف) هیئت رئیسه؛ مجلس خبرگان، دارای دو گونه هیئت رئیسه است: هیئت رئیسه سنی که در اولین جلسه مجلس خبرگان، بر اساس سنّ نمایندگان، تعیین می‌شود که مسن‌ترین فرد از خبرگان حاضر، به عنوان رئیس سنی و فرد بعدی به منزله نایب‌رئیس و دو نفر از جوان‌ترین خبرگان حاضر، به سمت منشی، معین می‌شوند و در جایگاه مخصوص قرار می‌گیرند. هیئت رئیسه سنی، وظایف زیر را بر عهده دارد: اداره جلسه افتتاحیه؛ انجام مراسم تحلیف؛ اجرای انتخابات هیئت‌رئیسه دائم. هیئت رئیسه سنی، با انتخاب اعضای هیئت رئیسه دائم، به کار خود پایان می‌دهد. مدت زمان هیئت رئیسه سنی، فقط در اولین جلسه هر دوره از مجلس خبرگان است.

هیئت رئیسه دوم، هیئت رئیسه دائم است. این هیئت، مرکب از رئیس، دو نایب‌رئیس، دو منشی و دو کارپرداز است که از میان اعضا، برای مدت دو سال و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. انتخاب رئیس، با رأی اکثریت مطلق حاضران و انتخاب نواب رئیس و منشیان و کارپردازان، هر کدام جداگانه و با اکثریت نسبی و به صورت مخفی خواهد بود. در صورتی که در انتخاب رئیس، در مرحله اول، اکثریت مطلق حاصل نشود، از بین دو نفری که بیشترین رأی را کسب کرده‌اند، با رأی‌گیری مجدد و اکثریت نسبی، رئیس، انتخاب می‌شود. ریاست مجلس خبرگان، علاوه بر اداره جلسات مجلس خبرگان، بر کلیه امور اداری، مالی، استخدامی و سازمانی مجلس خبرگان، نظارت دارد و باید با ارتباط منظم با رهبری، شرایط را برای انجام دادن وظایف مجلس خبرگان آسان کند.

وي مصوّبات قانوني مجلس خبرگان را امضا و به مراجع ذي ربط ابلاغ مي‌کند. رئيس مجلس خبرگان، موظّف است گزارشي سالانه از عملکرد و اقدامات هيئت رئيسه را به مجلس خبرگان ارائه کند.

ب) کميسيون‌ها؛ به منظور بررسي‌هاي کارشناسي و تهيه گزارش براي طرح در جلسات رسمي، کميسيون‌هاي زير در مجلس خبرگان تشکيل شده است:

1. کميسيون اصل 108 قانون اساسي: به منظور بررسي و تدوين قوانين مربوط به خبرگان، از جمله انتخابات و آيين‌نامه داخلي مجلس خبرگان تشکيل مي‌شود. اعضاي اصلي آن، يازده نفر و اعضاي علي‌البدل چهار نفرند.

2. کميسيون امور مالي و اداري: امور مالي و اداري مجلس خبرگان مي‌را بررسي مي‌کند و نه عضو اصلي و سه عضو علي‌البدل دارد.

3. کميسيون اصل 107 و 109 قانون اساسي: به منظور آمادگي خبرگان براي اجراي اصل يك‌صدوهفتم و شناخت حدود و شرايط مذکور در اصل پنجم و يك‌صدونهم قانون اساسي، کميسيوني مرکب از يازده نفر عضو اصلي و چهار نفر عضو علي‌البدل تشکيل مي‌شود تا در باره همه موارد مربوط به شرايط و صفات رهبر و درباره همه کساني که در مظان رهبري قرار دارند، تحقيق و بررسي به عمل آورد و نتايج آن را به هيئت رئيسه ارائه کند. گزارش اين کميسيون، سرّي تلقي مي‌شود و به صورت اسناد طبقه‌بندي شده، حفاظت مي‌شود و بدون تصويب مجلس خبرگان، در اختيار ديگري قرار نمي‌گيرد، مگر رهبري، که عنداللزوم به اطلاع وي مي‌رسد.

4. کميسيون سياسي - اجتماعي: به منظور آگاهي مستمر اعضاي مجلس خبرگان از تحولات مهم داخلي و جهاني، به ويژه در زمينه مسائل سياسي، فرهنگي، مديریتی، امنیتی و اقتصادي تشکيل مي‌شود و موظّف است با تشکيل جلسات با حضور نخبگان و مسئولان امور سياسي، امنیتی، فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي، مسائل مهم داخلي و جهاني را که به نحوي، به انجام وظايف خبرگان، به ويژه وظايف مذکور در اصول يك‌صدوهفتم و يك‌صدونهم قانون اساسي مربوط

می‌شود، مورد بررسی قرار دهد و گزارش آن را به هیئت رئیسه تقدیم کند تا در اولین اجلاس خبرگان، به اطلاع اعضا برسد.

5. کمیسیون تحقیق موضوع اصل 111 قانون اساسی: به منظور اجرای اصل یک‌صدویازدهم قانون اساسی و برای نظارت بر استمرار شرایطی که در اصل پنجم و یک‌صدونهم قانون اساسی برای رهبری ذکر شده است و تصمیم‌گیری در موارد فقدان آن تشکیل می‌شود. تحقیقات و مذاکرات این کمیسیون محرمانه است. مجلس خبرگان، به وسیله این کمیسیون، موضوع نظارت بر رهبری را به اجرا می‌گذارد. این کمیسیون، باید هرگونه اطلاعات لازم را در رابطه با اصل صدویازدهم، در محدوده قوانین و موازین شرعی تحصیل کند و نسبت به صحت و سقم گزارش‌های مربوطه، بررسی لازم را به عمل آورد. سایر اعضای خبرگان نیز، اطلاعات خود را درباره اصل صدویازدهم، در اختیار این کمیسیون قرار می‌دهند. کمیسیون، بعد از بررسی و تحقیق، در صورتی که مطالب مذکور را برای تشکیل اجلاس خبرگان کافی نداند، موضوع را با عضو یا اعضای خبرگان که اطلاعات را در اختیار گذارده‌اند، در میان می‌گذارد و توضیحات خود را ارائه می‌کند و در صورتی که آنان قانع نشدند، اگر اکثریت نمایندگان، تقاضای تشکیل جلسه فوق‌العاده را کنند، اجلاس مجلس خبرگان، برگزار می‌شود.

6. کمیسیون بررسی راه‌های پاسداری و حراست از ولایت فقیه: به منظور بررسی راه‌های مناسب پاسداری و حراست از ولایت فقیه، تشکیل می‌شود. اهم وظایف آن، ارائه پیشنهاد به هیئت رئیسه در این امور است:

1.6. تحقیق و پژوهش در موضوع حکومت اسلامی، بالاخص ولایت فقیه، تألیف و نشر آن به صورت‌های مناسب و پاسخ به شبهات؛

2.6. معرفی ولایت فقیه در مجامع علمی داخل و خارج کشور و در سطح عموم مردم؛

3.6. بررسی شیوه‌های مناسب تدریس و ترویج اندیشه حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه، در سطوح مختلف تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان و نیز در سطح رسانه‌های عمومی، خصوصاً صدا و سیما و ارائه راهکارهای مناسب به هیئت رئیسه مجلس خبرگان.

تشکیل کمیسیون‌ها و پیگیری کار آنها در طول سال به عهده دبیرخانه مجلس خبرگان است که باید هماهنگی‌های لازم را برای تشکیل کمیسیون‌ها به عمل آورد. همچنین تنظیم کلیه امور مربوط به مجلس، کمیسیون‌ها و هیئت رئیسه و ارتباط با ریاست مجلس و برقراری ارتباط متقابل از وظایف دبیرخانه است. باز تنظیم روابط مجلس با کمیسیون‌ها، هیئت‌ها، اعضا و نیز ارتباط با رهبری و دستگاه‌های گوناگون کشور بر عهده دبیرخانه است.

8- سازوکار نظارتی مجلس خبرگان بر عملکرد رهبری چیست؟ آیا اتاق رصدی

برای عملکرد رهبری وجود دارد؟

هرچند در قانون اساسی به‌صراحت از نظارت بر رهبری سخنی به‌میان نیامده است، اما اجرایی سازی اصل ۱۱۱ به مقدماتی نیاز دارد که «نظارت» از جمله آنان است. مطابق قانون تشخیص ناتوانی رهبر از انجام وظایف قانونی خود یا تشخیص فقدان یکی از شرایط بر عهده مجلس خبرگان است و خبرگان مسئولیت «عزل رهبر» را بر عهده دارد. پس لازمه آن نظارت بر توانایی رهبری و بقا و استمرار شرایط رهبری است. لازم است قدری بیشتر در این زمینه توضیح داده شود.

اساساً سه دیدگاه درباره نظارت مجلس خبرگان رهبری بر عملکرد رهبری از زمان بازنگری در قانون اساسی مطرح بوده است؛ 1- عدم نظارت 2- نظارت حداقلی و 3- نظارت حداکثری. برخی اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، معتقد نظارت حداقلی و مخالف هرگونه نظارت گسترده و مستمر بر رهبری بودند. دیدگاه نظارت حداکثری هم در میان اعضای شورای بازنگری قانون اساسی وجود نداشت. (رجوع به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری

قانون اساسی، ج ۳، ص ۱۲۵۹) البته نظارت حداکثری بیشتر از سوی گروه‌های منتقد حاکمیت و به اصطلاح اپوزیسیون مطرح می‌شود.

اما، در شورای بازنگری قانون اساسی، طرفداران نظارت بر رهبری در مقابل کسانی که قائل به عدم نظارت یا نظارت حداقلی بودند، نظارت منطقی را لازم می‌شمردند. نظارت منطقی را می‌توان در تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان ملاحظه کرد. البته همان طور که می‌دانیم تهیه و تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان را قانون اساسی در اصل 108 بر عهده خود مجلس خبرگان رهبری گذاشته است. در این راستا، مجلس خبرگان با تشکیل کمیسیونی به نام «کمیسیون تحقیق»، آن را در صدر فهرست کمیسیون‌های شش‌گانه خود قرار داده و در حالی که در آیین‌نامه داخلی برای دیگر کمیسیون‌ها حداکثر سه ماده اختصاص داده شده، برای کمیسیون تحقیق چهارده ماده (مواد ۳۱ تا ۴۴ آیین‌نامه داخلی) در نظر گرفته شده است. ضمن آنکه در شرح وظایف کمیسیون‌ها نیز کمیسیون تحقیق بر دیگر کمیسیون‌ها مقدم است. تبصره یک ماده ۳۱ می‌گوید: «اعضای کمیسیون تحقیق باید فراغت کافی برای انجام وظایف محوله را داشته باشند.» این تبصره نشان می‌دهد وظیفه‌ای که خبرگان در اجرای اصل ۱۱۱ بر دوش این کمیسیون نهاده است، یک وظیفه نظارتی تشریفاتی کمرنگ نیست. به موجب ماده ۳۳: «کمیسیون تحقیق موظف است هرگونه اطلاع لازم را در رابطه با اصل صدویازده در محدوده قوانین و موازین شرعی تحصیل نماید. همچنین نسبت به صحت و سقم گزارشات واصله در این رابطه تحقیق و بررسی کند و در صورتی که لازم بداند، با مقام معظم رهبری در این زمینه ملاقات نماید.»

این ماده به‌خوبی گویای این واقعیت است که مجلس خبرگان نقش خود را در رابطه با اصل ۱۱۱ نقشی فعالانه می‌داند و نه منفعلانه و اساساً نام‌گذاری این کمیسیون به کمیسیون تحقیق، معنادار است و دریافت گزارش‌های مردمی یا رسمی گویا در درجه دوم قرار دارد. در درجه اول، این خبرگان هستند که خود

در مقام تحقیق برای تداوم شرایط رهبری برمی آیند و این گونه نیست که در جایی بنشینند و منتظر وصول گزارش باشند. سازوکارهای در نظر گرفته شده برای فعالیت این کمیسیون نیز مؤید همین نظر است. بدین ترتیب، با مروری بر آیین نامه داخلی مجلس خبرگان که بیانگر دیدگاه این مجلس در زمینه اصل ۱۱۱ است، درمی یابیم که مجلس خبرگان رهبری با تشکیل کمیسیون تحقیق، یکی از وظایف خود را بررسی عملکرد رهبری می داند. (رجوع به: جوان آراسته، ولایت فقیه؛ نظارت و پاسخ گویی، ۱۳/ 6/ 23766-1392/6) (<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=23766-1392/6>)

به گفته سخنگوی کمیسیون تحقیق: «نظر به اینکه وظیفه کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان رهبری بررسی درباره اصل 111 قانون اساسی است این کمیسیون در هر ماه یک جلسه و در مواقع لزوم جلسات متعدد فوق العاده تشکیل می دهد و به وظیفه تحقیق در پیرامون تداوم شرایط و اوصاف مربوط به مقام رهبری بحث و بررسی می نماید.»

9- مجلس خبرگان تا چه حد در انجام وظیفه نظارتی خود موفق بوده است؟

حقیقت آن است که مجلس خبرگان رهبری نظارت مستمری بر کلیت رفتار رهبری دارد. به گفته عضو مجلس خبرگان رهبری: «تقریباً می شود گفت که مجلس خبرگان دم به دم در جریان رفتار و کردار و موضع گیری ها و اقدامات مقام معظم رهبری قرار دارد و کاملاً زیر نظر مجلس خبرگان هست.»

هر چند درباره چپستی نظارت خبرگان بر رهبری باید توجه داشت که به گفته آیت الله اراکی: «چارچوب مجلس خبرگان این نیست که بیاید در هر تکموضع گیری آقا دخالت کند. این حق او نیست؛ چیزی که حق این مجلس است این است که ببیند آیا رهبری به وظایف خودش عمل کرده یا نه و آیا توانایی انجام وظیفه را دارد یا نه؛ هم در بُعد دانش، هم کفایت، هم عدالت. در ابعدادی که شرایط مدیریت، مدیریت و شرایطی که رهبری باید داشته باشد. آیا در چارچوب این شرایط، رهبری توانسته به وظایف خود عمل کند؟ اگر این برای کمیسیون محرز شد، این کمیسیون گزارش خود را به مجلس خبرگان منعکس می کند.»

با این تعریف می‌توان گفت، مجلس خبرگان توانسته از پس مأموریت خود برآید. هر چند ممکن است افکار عمومی از آن اطلاع دقیقی نداشته باشند که برای رفع این ایراد باید چاره‌ای دیگر کرد.

10- آیا نظارت بر رهبری شامل نظارت بر مجموعه‌های تحت فرمان رهبری نیز

می‌شود؟

در قانون اساسی بحث نظارت بر زیرمجموعه‌های رهبری نیامده است؛ اما از اصول مطروحه این وظیفه قابل احصاست. هر امر قانونی نباید صرفاً در قانون اساسی باشد، بلکه براساس اصل 108 قانون اساسی، مصوبات مجلس خبرگان نیز قانونی است. در زمینه نظارت مجلس خبرگان بر رهبری مجلس مصوبه‌ای دارد و حتی بالاتر از آن قانون مصوب خبرگان است که بر اساس آن مجلس خبرگان حق دارد بر نهادهای زیر مجموعه رهبری نظارت کند. دستگاه‌های مختلف نظارتی، صلاحیت نظارت کافی و وافی را بر نهادهای زیر نظر رهبری دارند و این موضوع تداخلی با اختیارات رهبری نخواهد داشت. ضمن اینکه هیچ نهادی به صورت کلی از نظارت استثناء نشده، لکن در برخی مصادیق، اذن رهبری لازم شمرده شده است.

آیت‌الله اراکی، از اعضای کمیسیون تحقیق در مواجهه با این سؤال که: «اگر در ارتباط با زیرمجموعه‌های رهبری، مشکلی وجود داشته باشد که اعضای خبرگان، نسبت به توضیحات ارائه داده شده، قانع نشوند، تکلیف چیست؟ کلاً آیا موردی بوده که اعضا قانع نشوند؟» می‌گوید: «اگر قانع نشوند، از خود مقام معظم رهبری جویا خواهند شد. اگر توضیحات آن نهاد کفایت نکند، گزارش به خود مقام معظم رهبری می‌دهند و اگر ایشان توضیحی داشتند فبها، و الا خب از مقام معظم رهبری درخواست می‌کنند که اقدام لازم را انجام دهند. این روش کاری است که به طور منظم انجام می‌شود.» (آیت‌الله اراکی: آقا گفتند راه برای بازرسی از همه بخش‌های زیرمجموعه من باز است، مصاحبه با خبرگزاری فارس، 1398/3/22)

وي در ادامه در پاسخ به اين پرسش که: «نحوه مواجهه حضرت آقا با اين کميسيون چگونه است؟ کيفيت پاسخگويي ايشان، و نحوه استدلالهايي که براي اعضاي خبرگان مطرح مي‌فرمايند و...» مي‌گويد: «بسيار مثبت است. يعني حتي يک وقت ايشان خودشان تاکيد کردند که شما از هر بخش از بخش‌هاي دفتر يا نهادهاي زير نظر رهبري برويد جويآ شويد و از داخل اطلاع پيدا کنيد، راه باز است و زمينه فراهم است و هر معلوماتي را که نياز داشته باشيد و هر تحقيقي را خواهيد انجام دهيد. کاملاً همکاري انجام مي‌گيرد و تا کنون هم گزارشي که به مجلس خبرگان داده شده اين است که اين همکاري، کامل بوده است.» (همان)

11- آيا مواردی داشته‌ايم که مجلس خبرگان سؤالاتی از رهبری داشته باشد؟

رهبري در طول بيش از سه دهه از زعامت‌شان نشان داده‌اند که از هرگونه پرسشگري و نظارت استقبال مي‌کنند. حضور ايشان در پشت تربيون‌هاي متعدد پاسخگويي از دانشگاه تا حوزه و ... به خوبي حکايت از آن دارد که ايشان از اين امر استقبال مي‌کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامي با صراحت اعلام داشته‌اند: «من نظارت را دوست مي‌دارم و از گريز از نظارت - اگر در کسي و در جايي باشد- به شدت گله‌مندم. بر خود من هم هرچه بيشتتر نظارت کنند، خوشحال‌ترم.» (بيانات رهبري در جلسه پرسش و پاسخ دانشجويان دانشگاه صنعتي اميرکبير، 1379/12/22)

آيت‌الله اراکي در پاسخ به اين سؤال که «در اين سه دوره تجربه‌اي که حضرت‌عالي در مجلس خبرگان داشته‌ايد، وجود چالش بين عضو يا تعدادي از اعضاي خبرگان با رهبر انقلاب را تجربه کرده‌ايد؟ چون بالاخره تفکرات و سلايق مختلفي در بين اعضا وجود دارد ...» مي‌گويد: «بله! بوده؛ به طور جزئي. يعني وجود داشته‌اند افرادي که به هر حال ايرادي داشته‌اند؛ اعتراض و اشکالي داشته‌اند به بعضي از سياست‌هاي مقام معظم رهبري و اعلام مي‌کردند و مي‌آمدند و مي‌گفتند. از اين ناحيه هميشه مجلس خبرگان رهبري فرصت کافي

داده به افراد برای اظهار نظر. در سخنرانی‌های پیش از دستور که اعضاء، اظهار نظرهای خودشان را منعکس می‌کنند، معمولاً این معنا اتفاق افتاده. آنهایی که به هر حال حرفی داشته باشند برای گفتن و نظری داشته باشند؛ ولو مخالف باشد با مقام معظم رهبری، آمده‌اند و گفته‌اند. منتها در مجلس خبرگان صلاح دیده نشده که سخنرانی پیش از دستور، مثل سخنرانی مجلس شورای اسلامی به طور مستقیم از رسانه‌ها پخش شود. گفت‌وگوها در مجلس خبرگان به لحاظ حساسیت‌هایی که دارد و تنش‌هایی که ممکن است در جامعه به وجود بیاورد، این گفت‌وگوها و سخنرانی‌ها و اظهار نظرها و همه آنچه گفت‌وگو می‌شود محرمانه است. تنها در حد گزارشی که هیئت‌رئیس تهیه می‌کند به رسانه‌ها داده می‌شود و از رسانه‌ها مطرح می‌شود.» (آیت‌الله اراکی: آقا گفتند راه برای بازرسی از همه بخش‌های زیرمجموعه من باز است، مصاحبه با خبرگزاری فارس، 1398/3/22)

12- چرا مجلس خبرگان در خصوص وظیفه نظارتی خود بر رهبری تاکنون

گزارشی نداده است؟ آیا ممکن است مجلس خبرگان طبق ملاحظات و مصالح

کشوری وظایف خود را درباره نظارت بر رهبری به درستی انجام ندهد؟

همانطور که گفته شد کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان به طور مستمر وظیفه نظارتی خود در قبال عملکرد رهبری را انجام می‌دهد. به گفته سخنگوی کمیسیون «نظر به اینکه وظیفه کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان رهبری بررسی درباره اصل 111 قانون اساسی است، این کمیسیون در هر ماه یک جلسه و در مواقع لزوم جلسات متعدد فوق العاده تشکیل می‌دهد و به وظیفه تحقیق در پیرامون تداوم شرایط و اوصاف مربوط به مقام رهبری بحث و بررسی می‌نماید.»

گزارش عملکرد و بررسی‌های این کمیسیون معمولاً در صحن علنی نشست‌های سالانه مجلس خبرگان رهبری خوانده می‌شود که نمونه‌ای از آن را می‌توان در جلسه اسفندماه سال 1388 و پس از فتنه آن سال مشاهده کرد.¹

البته فراموش نباید کرد که این کمیسیون اگر در بررسی‌ها به مورد قابل ملاحظه‌ای برسد، باید آن را در صحن عمومی مجلس گزارش دهد، در غیر اینصورت گزارشی برای ارائه نخواهد بود. در همین راستا آیت‌الله محسن حیدری، نماینده استان خوزستان در مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگویی اظهار می‌کند: «این کمیسیون به نمایندگی از مجلس خبرگان موضع‌گیری‌ها، بیانیه‌ها و اوضاع و احوال رهبری را رصد می‌کند و اگر مشکل خاصی پیش آید، با خود مقام معظم رهبری در میان می‌گذارند و اگر هم لازم شد به اطلاع خبرگان می‌رسانند که تا به حال چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. به عبارت دیگر، تا به حال تخلف و نقصي در کار رهبری مشاهده نشده است که نیاز باشد کمیسیون تحقیق گزارشی به صحن مجلس خبرگان بیاورد. با این حال، کمیسیون تحقیق همیشه فعال است و کار خود را مرتب انجام می‌دهد.»

13- آیا با برگزاری جلسات مستمر و فاصله طولانی جلسات مجلس خبرگان

امکان انجام وظایف وجود دارد؟

تعداد نشست و جلسات هر مجموعه‌ای به اندازه مأموریتی است که به آن مجموعه داده شده است. در مجلس خبرگان رهبری همانطور که گفته شد از شش کمیسیون تشکیل شده است که به طور مستمر در حال انجام فعالیت هستند و برنامه کاری آنان به نشست‌های سالانه مجلس خبرگان ربطی ندارد. مجلس خبرگان یک نشست سالانه دارد و یکی هم نشست‌های فوق‌العاده. در ماده 18 آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان آمده است: «مجلس خبرگان سالی یک بار به مدت دو روز اجلاسیه رسمی دارد.» و در ماده 19 آمده است: «در مواردی که هیئت رئیسه

1. "گزارش کمیسیون تحقیق خبرگان در مورد رهبر انقلاب"، قابل دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=8957>، 88/5/12.

لازم بدانند یا ده نفر از اعضا کتباً پیش نهاد کنند اجلاسیه فوق العاده تشکیل می شود.»

مرحوم آیت الله طاهری خرم‌آبادی، از اعضای مجلس خبرگان در این زمینه فرموده‌اند: «ممکن است گاهی جلسه فوق‌العاده‌ای در سال دو یا سه بار تشکیل شود، ولی تا حالا پیش نیامده جز همان یک جلسه فوق‌العاده‌ای که بعد از انتخابات بازنگري قانون اساسی تشکیل شد، که در آن جلسه، مجدداً رهبري مقام معظم رهبري مورد تأیید قرار گرفت.»

لذا آنچه مشخص است نشست سالانه برنامه هماهنگی کلی و ارائه گزارش‌های سالیانه برای اعضای مجلس است. وگرنه اگر کمیسیون‌های مربوطه به هر دلیل احساس نیاز به برگزاری جلسه ویژه‌ای ندانند، جلسه در اسرع وقت تشکیل خواهد شد.

هر چند برگزاری تعداد نشست‌های مجلس خبرگان همانطور که اشاره شد مبتنی بر آیین‌نامه داخلی است که به سادگی قابل تغییر بوده و در صورت نیاز و متناسب با شرایط می‌توان بر تعداد آن افزود.

14- آیا اعضای مجلس خبرگان که اکثریت آنها سن و سال بالایی دارند، توانایی

جسمانی رسیدگی به وظایف خود را دارند؟

هر چند تقاضا برای جوانگرایی در مجلس خبرگان تقاضای قابل قبول و مورد توجهی است که باید به استقبال آن رفت، اما در مورد این ملاحظه باید به چند نکته توجه کرد:

اولاً بررسی ترکیب سنی اعضای مجلس خبرگان نشان می‌دهد همگی پیر و فرتوت نیستند؛ بلکه در میان اعضای مجلس خبرگان رهبري افراد جوان و میان سال متعددی وجود دارند که در بیرون از این مجلس نیز از جایگاه‌های حساسی برخوردار بوده و با همه توان مشغول به خدمت هستند.

مرور ي بر میانگین سنی نمایندگان مجلس نشان می‌دهد، در اولین دوره که در سال 1361 تشکیل شد، میانگین سنی اعضای خبرگان 53 سال بود. اولین مجلس

خبرگان افراد جوان بسیاری را در خود می‌دید؛ سید محسن موسوی تبریزی با 32 سال سن جوان‌ترین نماینده خبرگان بود. اسدالله ایمانی نیز در آن زمان 35 ساله بود و از جوان‌های مجلس محسوب می‌شد. در این میان، میانگین سنی نمایندگان استان فارس از 42 سال فراتر نمی‌رفت. از 5 نماینده این استان، 2 نفر زیر 40 سال داشتند و 3 نفر دیگر کمتر از 50 سال از عمرشان می‌گذشت. در این دوره که آیت‌الله خامنه‌ای 43 ساله و هاشمی رفسنجانی 48 ساله نیز در مجلس حضور داشتند، ریاست خبرگان به علی مشکینی 61 ساله رسید.

دومین دوره مجلس خبرگان که در سال 1369 آغاز به کار کرد، به یکباره میانگین سنی اعضایش افزایش یافت: از 53 به 60 سال. جوان‌ترین فرد این مجلس محسن اراکی بود. او از استان خوزستان به خبرگان راه یافته بود و در آن زمان 35 سال از عمرش می‌گذشت. اسدالله ایمانی 43 سال، محمداسحاق مدنی از سیستان و بلوچستان و علی شیخ موحد از استان فارس و محمد محمدی ری‌شهری 44 سال، مرحوم سید احمد خمینی، عبدالنبی نمازی و قربانعلی درّی نجف‌آبادی همگی 45 سال داشتند.

در دور سوم خبرگان رهبری که در سال 1377 تشکیل شد، میانگین سنی اعضا به 62 رسیده بود. عباس کعبی 36 ساله نماینده خبرگان خوزستان، رحیم محمدی 36 ساله از ایلام، سید احمد خاتمی و صادق آملی لاریجانی 38 ساله، و مجید انصاری 44 ساله از جوان‌های مجلس محسوب می‌شدند.

در دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری که در سال 1395 تشکیل شد، میانگین سنی اعضا افزایش یافت و به 63 رسید. در این مجلس حسن نمازی توانسته بود به خبرگان راه یابد. او با 31 سال جوان‌ترین فرد ادوار خبرگان بود. پس از او سید محمد واعظ موسوی با 42 سال و رضا رضانی با 43 سال از جوان‌های این مجلس بودند.

در دوره پنجم مجلس خبرگان رهبري به سال 1394، ترکیب سني مجلس خبرگان رهبري جوان تر شد و شش عضو کمتر از 50 سال داشت. سيدروح الله صدرالساداتي 30 ساله جوان ترين راه یافته به خبرگان پنجم بود. بعد از او، احمد پرواني (33 ساله) و مجيد تلخايي (34 ساله) در رتبه دوم و سوم جوان ترها قرار داشتند. محمد حاج ابوالقاسم دولابي از زنجان 40 سال داشت. جواد مجتهد شبستري با 49 سال و محسن اسماعيلي با 50 سال داشتند. آيت الله آملی لاریجانی، حجت الاسلام ابراهيم رئيسي و سيداحمد خاتمي هر سه 55 ساله بودند.

ثانياً، جواني مفهومي نسبي است که براي مسئوليت هاي گوناگون تعريف متفاوتي دارد. براي جايگهي که داشتن اجتهاد شرط عضویت آن است، نمی توان انتظار داشت که جواناني کم سن و سال بتوانند وارد آن شوند!

ثالثاً، وزانت علمي و وجاهت علمي میان سال و با تجربه به حدی بوده که تاکنون اکثریت تمایل داشتند نماینده خود براي خبرگان رهبري را از میان ایشان برگزینند. تغییر ذائقه پیش آمده در میان نسل جوان می تواند در ادوار آینده مجلس خبرگان بیشتر به سمت جوان ترها تمایل یابد.

رابعاً، تأکید ویژه بر توانايي جسماني در امور اجرايي که با جواني و جنب و جوش فراوان نسبتي دارد، معنادار خواهد بود. این در حالي است که آنچه در این مجلس بیش از موارد دیگر برجسته است، توانايي هاي علمي است که می تواند فقاها و تصميمات فقاھتي رهبري در جايگاه حکمراني را ارزيابي کرده و هم تجربياتي که می تواند صلاحیت نظارتي این مجلس را افزون کند.

خامساً، بخشي از فعاليت ها که نیازمند توان پیگیری و سرکشي و ... باشد نیز بخشي از سوی کارشناساني که به خدمت گرفته می شود، دنبال می شود.

15- مشغله فراوان و چندشغلی بودن اعضای خبرگان آیا اجازه انجام وظیفه را به

ایشان می دهد؟

چندشغله بودن معضلي است که متأسفانه بخش هاي زيادي از نظام حکمراني را به خود مبتلا کرده است. این وضعیت حتي مراکز علمي را نیز در امان نگذاشته

و استادان دانشگاه و حوزه‌های علمیه را هم چند شغله کرده است. البته این معضل شاید در سطح جهانی نیز فراگیر باشد و تقریباً کمتر کشوری است که با این معضل در دنیای مدرن مواجه نباشد.

فارغ از این انتقاد که به بخش‌های مختلف اداره کشور و همه آنها که بیش از توان‌شان مسئولیت پذیرفته‌اند، وارد است. نباید فراموش کرد که عضویت در خبرگان شغلی تمام وقت نیست که صبح تا شب وقت اعضا را بگیرد! بلکه کافی است اعضای خبرگان وقت وافی را برای این امر مهم و خطیر بگذارند تا بتوانند در قبول تعهدی که نسبت به موکلین خود دارند، پاسخگو باشند. اما اینکه واقعا یک عضو مجلس خبرگان چه اندازه در روز یا در ماه نیازمند وقت‌گذاری برای انجام صحیح وظیفه است، سوالی است که باید برای آن مطالعه دقیق علمی صورت گیرد و واقعاً در مسیر ارتقای مجلس خبرگان به آن توجه شود تا با این کار بر اعتبار این مجلس افزوده شود.

16- بخشی از اعضای خبرگان نمایندگان رهبری در جایگاه‌های مختلف هستند، آیا

این امر مانعی برای انجام رسالت خبرگان در نظارت بر رهبری نیست؟

واقعیت آن است که بخشی از علما و بزرگان شهرها و استان‌های مختلف کشور که به نمایندگی از مردم وارد مجلس خبرگان رهبری می‌شوند، کسانی هستند که به واسطه لیاقت و شایستگی‌ای که از آن برخوردارند، مورد اعتماد رهبری نیز بوده و مورد استفاده ایشان در امور مختلف قرار گرفته‌اند. بالاخص آنجایی که رهبری قصد دارد تا نمایندگانی برای استان‌های مختلف برگزیند یا امامت جمعه و جماعت را به آنان بسپارد. طبیعی است که بهترین گزینه افرادی هستند که از وجاهت عمومی لازم برخوردارند. اینجاست که نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری گزینه‌ای مناسب برای این جایگاه نیز به حساب می‌آیند. این اشتراک البته می‌تواند زمینه سوء برداشت‌هایی را فراهم آورد که باید برای آن چاره کرد، اما به دلیل وجود این مسئله نمی‌توان از آن سو بخشی از صاحبان صلاحیت را از سمتی محروم کرد.

نکته دیگر آنکه بخشی از بزرگان یاد شده در طول سه دهه اخیر اغلب نمایندگان امام و ائمه جمعه منصوب ایشان بوده‌اند که پس از ارتحال امام راحل، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز آنان را جابه‌جا نکرده‌اند. به طور کلی باید گفت، تقریباً هیچ یک از نمایندگان امام (ره) در سمت‌های مختلف از سوی رهبری جابه‌جا نشده‌اند، مگر آنکه یا فوت کرده یا آنکه خود خواهان کناره‌گیری یا جابه‌جایی بوده‌اند. حال همین افراد برای عضویت در مجلس خبرگان رهبری نیز نامزد شده و با رأی ملت وارد مجلس شده‌اند. به واقع آنان پیش از آنکه نماینده رهبری بوده باشند افراد امین مورد توجه حضرت امام (ره) و مردم محسوب می‌شوند.

17- مجلس خبرگان چه سازوکار یا ساختاری برای شناخت و برگزیدن رهبر آینده

دارد؟

بدون شک مهم‌ترین رسالت مجلس خبرگان انتخاب رهبری است. در بزنگاه حساسی که جابه‌جایی قدرت در هر نظام سیاسی به وجود می‌آید، میزان آسیب‌پذیری نظام حکمرانی از حیث خلأ قدرت بالا می‌رود. چگونگی این انتقال قدرت و پر کردن خلأ قدرت رابطه مستقیمی با حفظ و ثبات سیاسی کشور دارد. مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی پر کردن خلأ قدرت در بزنگاه فوت یا از دست رفتن شرایط رهبری با مجلس خبرگان رهبری است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری به این مهم چنین اشاره دارند: «احتمال اینکه این دوره‌ای که تازه شروع خواهد شد، مبتلا بشود به این آزمایش، احتمال کمی نیست؛ آن وقتی که بناست رهبر انتخاب بشود، ملاحظات و رودرپایستی‌ها را کنار بگذارند؛ خدا را در نظر بگیرند، وظایف را در نظر بگیرند، نیاز کشور را در نظر بگیرند؛ بر این اساس رهبر انتخاب بشود؛ مهم‌ترین وظیفه به نظر ما این است؛ مراقبت کنند. اگر چنانچه در این مرحله و در این وظیفه‌ی بزرگ کوتاهی انجام بگیرد، در اساس کار مشکل به وجود

خواهد آمد؛ این مهم‌ترین مسئله است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.»
(94/12/20)

همانطور که گفته شد به منظور آمادگی خبرگان برای اجرای اصل يكصدوهفتم و شناخت حدود و شرایط مذکور در اصل پنجم و يكصدونهم قانون اساسی، کمیسیوني مرگب از یازده نفر عضو اصلي و چهار نفر عضو علي‌البدل، تشکیل می‌شود تا درباره همه موارد مربوط به شرایط و صفات رهبر و درباره همه کسانی که در مظان رهبري قرار دارند، تحقیق و بررسی به عمل آورد و نتایج آن را به هیئت رئیسه ارائه کند. گزارش این کمیسیون، سرّی تلقی می‌شود و به صورت اسناد طبقه‌بندی شده، حفاظت می‌شود و بدون تصویب مجلس خبرگان، در اختیار دیگری قرار نمی‌گیرد، مگر رهبري، که عنداللزوم به اطلاع وی می‌رسد.

سال‌ها پیش بود که موضوع تشکیل کمیته‌ای محرمانه برای شناسایی گزینه‌های دارای صلاحیت رهبري بر سر زبان‌ها افتاد. آیت‌الله محسن اراکی در مورد این کمیسیون می‌گوید: «کمیسیون ویژه‌ای است و وظیفه‌اش این است که تمام کسانی را که در معرض واجدیت شرایط رهبري باشند شناسایی کند و لیستی از آنها تهیه کند. این لیست به این کمیسیون داده می‌شود. حتی خود اعضای مجلس خبرگان می‌توانند پیشنهادات خود را بدهند. این لیست بررسی می‌شود و افرادی را که واجد شرایط رهبري برای آینده بدانند، این افراد به طور خیلی سرّی و محرمانه، اسمشان ثبت خواهد شد تا هر وقت مورد نیاز باشد به مجلس خبرگان عرضه شود تا مجلس خبرگان درباره آنها اظهار نظر کند.»

آیت‌الله سید احمد خاتمی در این باره گفته بود: «این مسئله اتفاق جدیدی نیست؛ زیرا از خبرگان اول کمیته‌ای در این رابطه تشکیل شده و گروهی از برجستگان و خبرگان از کمیسیون اصل ۱۰۹ و ۱۱۱ انتخاب شده‌اند، البته نه برای تعیین رهبر بلکه برای تعیین کسانی که در مظان رهبري هستند را بررسی کنند. آن

کمیته با رعایت کامل مسئله رازداری این اقدام را انجام داد و اگر رهبري بخواهند این اسامي فقط به ایشان عرضه مي‌شود.»

آیت‌الله هاشم‌زاده هریسي البته دیدگاه متفاوتي دارد. وي معتقد است: «این کمیسیون بر اساس قانون اساسي جمهوري اسلامي و فصل اختیارات مجلس خبرگان رهبري در این مجلس تشکیل شده و هم اکنون نیز وجود دارد ولي این کمیسیون، اصلاً کمیسيوني مهم و سرنوشت‌ساز محسوب نمی‌شود؛ بنابراین نباید حساسیت در جامعه ایجاد شود. این کمیسیون درون مجلس خبرگان و متشکل از اعضاي این مجلس است ولي مهم نیست؛ چرا که نه اختیارات دارد، نه جنبه قانوني دارد، نه تأثیر چندان دارد و نه حتي حق تعیین رهبر.» (جزئیات کمیسیون تهیه لیست واجدان شرایط رهبري، روزنامه اعتماد در گفت‌وگو با آیت‌الله هاشم‌زاده هریسي، شماره 4388، تاریخ 1398/3/23)

وي در پاسخ به این سؤال که: «پس دلیل تشکیل این کمیسیون در مجلس خبرگان چیست؟» می‌گوید: «در فصل وظایف و اختیارات مجلس خبرگان در قانون اساسي چند وظیفه برای نهاد در چند اصل ذکر شده است. مجلس خبرگان برای هر یک از این اصول یک کمیسیون تشکیل داده است؛ ... در اصل ۱۰۹ قانون اساسي نیز گفته شده افرادی که به لحاظ علمي و عدالت و سایر شروط مطروحه صلاحیت و شایستگی رهبري را دارند، توسط مجلس خبرگان شناسایی شوند تا اگر روزي لازم شد، از این افراد استفاده شود. این کمیسيوني که گفتند تشکیل شده و لیستی از افراد واجد شرایط رهبري تهیه کرده، همین کمیسیون است... این کمیسیون بر اساس اصل ۱۰۹ قانون اساسي صرفاً جهت آمادگی و شناسایی افراد برای رهبري تشکیل شده است. وظیفه این کمیسیون صرفاً بررسی افراد واجد شرایط رهبري در ایران یا ایرانیان سایر کشورها نظیر نجف است. البته در شرط ایرانی بودن، ذکر نشده است ولي در آن زمان حتماً لحاظ خواهد شد. افرادی که در این کمیسیون بررسی شده و تعیین می‌شوند، نه رهبر فعلي کشور هستند و نه لزوماً رهبر آینده. رهبر بعدي کسی است که در اجلاسي که در همان

زمان مقتضی تشکیل می‌شود، بیشترین رأی را به دست بیاورد. این فرد ممکن است در لیست تهیه شده توسط این کمیسیون نباشد ولی در اجلاس خبرگان رای آورده و رهبر شود؛ بنابراین لیست تهیه شده در کمیسیون اصل ۱۰۹ به لحاظ حقوقی اعتبار ندارد.» (همان)

وی معتقد است: «افرادی که در این لیست نوشته می‌شوند، رهبر نیستند و تشکیل این کمیسیون و تهیه این لیست نیز به معنای تعیین رهبر نیست. تعیین رهبر نمی‌تواند به دست ۳ نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری باشد. اختیار دست مجلس خبرگان است و این اختیارات قابل تفویض به بخشی از این مجلس هم نیست. اقداماتی که در این کمیسیون صورت می‌گیرد، صرفاً اقدامات مطالعاتی است ولی متأسفانه برخی این کمیسیون را این قدر بزرگ و بزرگ و بزرگتر کردند که امروز مردم گمان می‌کنند که اینها مشغول انتخاب رهبر هستند، در حالی که چنین نیست. .. در مجلس خبرگان رهبری هر کمیسیون حدود ۱۱ یا کمی بیشتر و کمتر عضو دارد. این کمیسیون هم که این قدر بزرگش کرده‌اند، باعث شده مردم حرف‌هایی بزنند هم همین‌طور است ولی واقعاً ارزشی ندارد. در این کمیسیون همه اعضا مسئولیت بررسی و تهیه لیست از افرادی که واجد شرایط هستند به ۳ نفر واگذار شده و آن ۳ نفر فقط اسامی را یادداشت کرده و به کمیسیون ارایه می‌کنند، همین. این افراد اصلاً کاره‌ای نیستند و اختیاری ندارند؛ بلکه صرفاً اسم می‌نویسند. این‌طور نیست که اعضای این کمیسیون اصل ۱۰۹ قانون اساسی مجلس خبرگان ۳ نفر را انتخاب کرده باشند و آن ۳ نفر هم فرد یا افرادی را برای رهبری انتخاب کرده باشند و آن افراد هم‌اکنون مشغول آماده شدن باشند. این کمیسیون را بی‌دلیل بزرگ کرده‌اند. واقعاً این کار ارزشی ندارد. زمانی که امام از دنیا رفت و مقام رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای) را به مقام رهبری برگزیدند هم افراد و نام‌هایی در این کمیسیون مطرح شده بود. آن زمان هم مجلس خبرگان بود و این کمیسیون وجود داشت. آن زمان که رهبری (آیت‌الله خامنه‌ای) را انتخاب کردند، هم نه نامی از ایشان در میان بود، نه کسی تصور

می‌کرد و نه کسی به ذهنش خطور می‌کرد که ایشان انتخاب شوند. در همان جلسه مجلس خبرگان نام ایشان مطرح شد و اتفاقاً با رای بسیار بالا و خوبی به عنوان رهبر انتخاب شدند. افرادی که در آن زمان در همین کمیسیون نام‌شان مطرح شده بود هم اصلاً رای نیاموردند و رهبر انقلاب (آیت‌الله خامنه‌ای) رای آوردند؛ بنابراین اصلاً تشکیل این کمیسیون مساله خاصی نیست.» (همان)

وی در پاسخ به پرسش دیگری با این مضمون که: «به نظر شما در مقطع فعلی ممکن است نوشتن نام افراد احیاناً اولویتی برای آن افراد در قیاس با سایرین ایجاد کند؟» پاسخ می‌دهد: «سرنوشت نهایی به دست مجلس خبرگان است که این مجلس هم در اجلاس نهایی که با حضور همه اعضا برگزار می‌شود، افرادی را مطرح می‌کند و از میان این افراد هر یک که رأی بیشتری به دست آورد، به عنوان رهبر انتخاب خواهد شد، بنابراین ممکن است فردی که انتخاب می‌شود در این کمیسیون نامش مطرح نشده باشد و در لیست نوشته نشده باشد ولی با رأی اعضای مجلس خبرگان به عنوان رهبر انتخاب شود. به همین دلیل است که من می‌گویم این کمیسیون و ۳ نفری که انتخاب کرده‌اند، صرفاً گروهی کاری هستند، بنابراین نباید آنان را گروهی تصویب‌کننده و سرنوشت‌ساز دانست. این نوشته شدن اسم هیچ‌گونه اولویت یا حقی برای برخی افراد در قیاس با افراد دیگر ایجاد نمی‌کند و گرنه اوضاع بسیار خطرناک خواهد شد و اگر زمانی و به هر دلیلی نام افراد به بیرون برسد، مردم فکر می‌کنند که فلان فرد رهبر شده یا ممکن است سوءاستفاده‌هایی صورت بگیرد و همین مسئله اتفاقات بدی را در کشور رقم بزند. بنابراین اصلاً چنین چیزی نیست که اولویت ایجاد شود پس این قدر این کمیسیون را بزرگ نکنید... سرنوشت انقلاب اسلامی و آینده رهبری را یک کمیسیون و آن سه نفری که از طرف این کمیسیون مأمور شده‌اند، نمی‌توانند تعیین کنند، چرا که قانون اساسی اختیار این اقدام را به کل اعضای مجلس خبرگان رهبری واگذار کرده است. این کمیسیون فقط کار کارشناسی انجام می‌دهد. .. برخی گمان می‌کنند رهبر تعیین شده ولی مگر یک کمیسیون می‌تواند

برای یک مملکت و مردم رهبر انتخاب کند؟ با کدام اختیار؟ اختیارات ذکر شده در قانون اساسی برای مجلس خبرگان است و مجلس هم نمی‌تواند اختیاراتش را به کمیسیون یا ۳ نفر تفویض کند، چون قابل تفویض نیست و همه چیز به آن اجلاس بستگی دارد.» (همان)

18- آیا خبرگان می‌توانند دوره رهبری را به زمان و مدت خاصی محدود کنند؟

بحث محدود بودن زمان یا دوره‌ای بودن رهبری موضوعی بود که در طول سال‌های مختلف درباره آن بحث‌های فقهی، علمی و کارشناسی مختلفی مطرح شده است؛ اما نتیجه آنچه در محفلی حقوقی و تصمیم‌گیر با عنوان شورای بازنگری قانون اساسی در سال 1368 بررسی شده است، اجماع بر سر عدم مقید کردن زمانی دوران رهبری و دوره‌ای کردن آن است. همین تصمیم در قانون اساسی نیز ظهور و بروز یافته و هیچ قیدی در قانون اساسی آورده نشده است. از آنجا که قانون اساسی فصل‌الخطاب همه مباحث علمی و فکری است، لذا طبق قانون اساسی رهبری مقید به زمان خاصی نیست.

مطابق با آنچه قانون اساسی به منزله وظیفه برای مجلس خبرگان برشمرده است، سه‌گانه تعیین، نظارت و عزل رهبری تنها وظایف خبرگان است و در آن اختیار مقید کردن زمانی یا دوره‌ای کردن رهبری وجود ندارد. به واقع اگر فردی از سوی مجلس خبرگان رهبری به عنوان ولی فقیه انتخاب شد، مادامی که صلاحیت‌های خود را از دست نداده باشد، خبرگان نیز نمی‌توانند او را از این جایگاه عزل کرده و این سمت را به فرد دیگری واگذار کنند. البته باید توجه داشت که حقیقت امر آن است که رهبری تا زمانی در جایگاه خود باقی خواهد ماند که شرایط صلاحیتی خود را داشته باشد و هر زمان صلاحیت خود را از دست دهد، بلافاصله باید از سوی مجلس خبرگان برکنار شود؛ بنابراین، اینکه دوره رهبری محدود و مقید به زمان نیست، به معنای آن نیست که این حکمرانی مادام العمر بوده و به هیچ وجه قابل عزل نیست. در واقع، نکته روشن‌کننده سؤال مزبور این است که اساساً در منابع دینی (فقه شیعی) و قانون اساسی عبارت مادام العمری برای ولی فقیه ذکر نشده است بلکه مادام‌الشرائط و الصفات است، یعنی کاملاً تابع شرایط و صلاحیت‌هایی است که در شرع آمده است. تا زمانی که شرایط رهبری استمرار داشته باشد، ولی فقیه در این سمت خواهد بود. عمر ولایت

ولی فقیه به اندازه عمر شرایطی است که برای تصدی این امر در فقه شیعه تعیین شده است. از این مهم‌تر براساس منابع دینی و قانون اساسی اگر رهبر منتخب خبرگان، در همان سال یا روزهای نخست رهبری، شرایط خود را از دست بدهد یا معلوم شود فاقد شرایط و صلاحیت‌های لازم بوده است، بلافاصله خبرگان او را عزل و درباره جانشین او تصمیم‌گیری خواهند کرد. در واقع قانونگذاران اساسی برای نظارت بر بقا یا عدم بقای شرایط رهبری سازوکار لازم را دیده است که براساس آن اگر ولی فقیه یکی از شرایط را از دست بدهد، عزل خواهد شد.

19- اگر رهبری با مجلس خبرگان در تقابل هم قرار گیرند، وظیفه آحاد مؤمنان چیست؟ آیا تبعیت از رهبری واجب و لازم است یا مجلس خبرگان؟

درباره این سؤال باید توجه داشت که موضوع مواجهه به چه چیزی می‌تواند اختصاص یابد. آنچه مطابق با قانون به عنوان دایره اعلام نظر حقوقی مجلس خبرگان تعریف شده، ابراز نظر درباره صلاحیت رهبری است. حال اگر درباره صلاحیت نداشتن رهبری، مجلس خبرگان (نه تک تک اعضای آن) تصمیمی قانونی و حقوقی بگیرد، رهبری حاضر نمی‌تواند اعتبار رأی آن مجلس را زیر سؤال برده و در برابر رأی به عزلش مقاومت کند. در اینصورت مردم باید به آنچه مجلس خبرگان رهبری به عنوان عالی‌ترین مرجع حقوقی تصمیم‌گیر در این زمینه، اعتماد و از آن حمایت کنند. به واقع در این شرایط فرد رهبر دیگر مشروعیت خود را از دست داده و دیگر اطاعت از او اعتبار و الزامی ندارد و اتفاقاً آنچه امر شرعی است، اطاعت و حمایت از نظر مجلس خبرگان رهبری است.

اما در مورد مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... اگر اختلافی میان رهبری با اعضای مجلس خبرگان رهبری پیش آید، مسلم است که وظیفه مؤمنان اطاعت و حمایت و پیروی از رهبری است و حرف نمایندگان مجلس خبرگان اعتبار حقوقی ندارد. حتی مجلس خبرگان در جایگاه حقوقی هم حق اظهار نظر مولوی در این عرصه‌ها را ندارد و اگر هم مدعی اختیارات در این زمینه شود، نیز بیرون از حدود قانونی خود مطابق قانون اساسی عمل کرده است. مجلس خبرگان رهبری به عنوان جمعی از نخبگان و خبرگان ملت البته در جایگاه ارشادی می‌تواند در عرصه هدایت‌گری افکار عمومی نقش‌آفرین باشد که از این نظر توجه به رهنمودهای آنان برای مؤمنان راهگشاست.

20- آیا رهبری می‌تواند در کار و نوع فعالیت خبرگان دخالتی داشته باشد یا آن را**منحل کند؟**

مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان نهادی مستقل و فراتر از هر فرد و نهادی است و کسی نمی‌تواند آن را منحل کند. به واقع، هیچ نهادی به اندازه مجلس خبرگان استقلال ندارد، چون همه نهادها به جز مجلس خبرگان، تحت اشراف یک نهاد بالاتر قرار دارند؛ اما هیچ نهاد و کسی نمی‌تواند در تصمیمات مجلس خبرگان رهبری دخالت کرده و مصوبات آن را لغو کند. مجلس خبرگان رهبری انحلال‌ناپذیر است، چون با انحلال مجلس خبرگان اعتبار قانونی نهاد رهبری زیر سؤال می‌رود.

21- آیا اطاعت از رهبری بر خبرگان هم لازم و واجب است؟

طبیعتاً فارغ از جایگاه نظارتی اعضای خبرگان رهبری، آنان نیز عضوی از شهروندان هستند که در آن جایگاه اطاعت از فرامین رهبری همان طور که بر همه امت اسلامی و شهروندان این سرزمین واجب است، بر آنان نیز واجب است.

(ج) روند برگزاری انتخابات مجلس خبرگان**22- روند برگزاری انتخابات مجلس خبرگان با انتخابات‌های مرسوم چه تفاوت‌هایی****دارد؟**

مختصات مجلس خبرگان به نحوی است که رقابت‌های انتخاباتی آن را متفاوت از انتخابات دیگر می‌کند. نامزدهای خبرگان رهبری را چهره‌هایی تشکیل می‌دهند که جایگاه فقاقت و اجتهاد داشته و به همین واسطه از جایگاه متمایزی در جامعه برخوردارند. اغلب این افراد از بزرگان و مدرسان حوزه علمیه و دانشگاه بوده یا امامت جمعه و جماعت را در شهرهای کوچک و بزرگ برعهده دارند. طبیعی است که چنین شخصیت‌هایی از وجاهت و اعتبار خاصی نزد مردم برخوردار بوده و همین جایگاه است که پشتوانه معتبری برای این مجلس به شمار می‌آید تا در زمان لازم، برآیند این اعتبار، پشتوانه‌ای برای ولایت فقیه باشد.

همین شرایط می‌طلبد تا مفهوم رقابت انتخاباتی در این انتخابات به گونه‌ای دیگر طرح‌ریزی شود که حاصل آن تضعیف و جاهت ائمه‌جمعه و علما و بزرگان حوزه و دانشگاه نشود. حتی اگر با نگاه کارکردگرایانه صرف نیز به این عرصه بنگریم، باز هم حفظ و صیانت از اعتبار و جاهت مجلس خبرگان و اعضای محترم آن برای تثبیت امنیت و اقتدار کشور ضروری به نظر می‌رسد.

از سویی دیگر، رقابت‌های انتخاباتی با نوعی رویکرد انتقادی و ادبیات نقادانه آمیخته است که گاه متأسفانه مرزهای تخریب و سیاه‌نمایی را نیز در می‌نوردد و سایه سیاه‌کینه و اختلاف و کدورت را بر قلب‌ها می‌گستراند که نتیجه‌ای جز اعتبارزدایی از نمایندگان منتخب به همراه نخواهد داشت.

حال تصور شود که همین شیوه رقابت انتخاباتی که در میدان‌های گوناگونی، چون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا حاکم است، دقیقاً در این انتخابات نیز جاری شود! در این شرایط معلوم نیست که چه زمین سوخته‌ای بعد از پایان انتخابات برای سرمایه‌های علمی و اخلاقی کشور به جایی خواهد ماند!

لازمه چنین وضعیتی این است که همه جریان‌ها و فعالان سیاسی کشور با نگاهی فراجناحی و مبتنی بر منافع ملی به این میدان بنگرند و تلاش کنند تا از دوقطبی‌سازی ناصواب این میدان بکاهند. ملت نیز با هوشیاری بازی خورده جریان‌های سیاسی که مصالح زودگذر را بر مصالح بلندمدت ترجیح می‌دهند، نباشند. نامزدهای محترم نیز با توجه به دغدغه‌های برشمرده هوشیارانه وارد میدان رقابت‌های انتخاباتی شوند.

23- شرایط لازم برای نامزدی در انتخابات خبرگان چیست؟

قانون اساسی، به صراحت، شرایط نمایندگان مجلس خبرگان را بیان نکرده و تعیین آن را مطابق اصل یک‌صد و هشتم، برای نخستین دوره، به فقهای اولین شورای نگهبان و پس از آن، به خود مجلس خبرگان واگذار کرده است؛ اما با دقت در اصول مربوط، می‌توان کلیاتی را در مورد شرایط اعضای مجلس خبرگان به دست آورد. به ضرورت تناسب حکم و موضوع، اعضای خبرگان؛

اولاً، باید دارای درجه‌ای از فقاقت و آگاهی بر مسائل سیاسی و اجتماعی روز باشند که قدرت تشخیص «اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا شخص واجد مقبولیت عامه» را داشته باشند. ثانیاً، مرتبه‌ای از تقوا داشته باشند که در اظهار نظر خویش، فقط مصالح اسلام و مسلمانان را در نظر گیرند و نه منافع فردی و گروهی را. از سوی دیگر، در صورتی که اهل خبره به آنچه می‌گویند، اعتقاد نداشته باشد یا دارای سوابق سوء سیاسی و اجتماعی باشد، بدون تردید، نمی‌توان به تشخیص او اعتماد کرد.

در قانون انتخابات مجلس خبرگان، شرایطی به شرح زیر آمده است که خبرگان منتخب مردم، باید دارای شرایط زیر باشند:

(الف) اشتها به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

(ب) اجتهاد در حدّی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی‌فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛

(ج) بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛

(د) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

(ه) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی.

در کنار تصریح به ضرورت برخورداري نمایندگان خبرگان از شرایط فوق، این قانون، بر نفي ضرورت بعضی از شرایط، تصریح کرده است که «ضرورت ندارد نمایندگان، ساکن و یا متولد حوزه انتخابیه خود باشند.»

24- صلاحیت نامزدهای مجلس خبرگان چگونه تعیین می‌شود؟

مطابق با تبصره یکم ماده سوم قانون انتخابات مجلس خبرگان، مرجع تشخیص دارا بودن شرایط مورد نظر را فقهای شورای نگهبان دانسته است. در میان شرایط فوق نیز به نظر می‌رسد رکن اصلی مسئله اجتهاد باشد. در این باره به‌طور معمول، فقهای مزبور، برای کسانی که اجتهادشان محرز نیست، اقدام به برگزاري امتحان می‌کنند و شرایط دیگر را با تحقیق و تفحص احراز می‌کنند. البته مطابق با تبصره دوم ماده 3 انتخابات مجلس خبرگان، کسانی را که رهبر،

صریحاً یا ضمناً، اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، از نظر علمی، نیازمند تشخیص فقهای شورایی نخبگان خواهند داشت.

هیئت‌های اجرایی پس از پایان مهلت نام‌نویسی ظرف یک دوره زمانی 10 روزه صلاحیت داوطلبان را بر اساس استعلامات مراجع چهارگانه مجلس در قانون (نیروی انتظامی، قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و سازمان ثبت‌احوال) بررسی می‌کنند. پس از بررسی صلاحیت داوطلبان در هیئت‌های اجرایی، بررسی صلاحیت داوطلبان در هیئت‌های نظارت و پس از آن در شورایی نخبگان انجام خواهد شد. نامزدهای تأیید صلاحیت شده بعد از این خواهند توانست با آغاز تبلیغات برای تکیه زدن بر 88 صندلی مجلس خبرگان رقابت کرده و منتظر کسب رأی از سوی مردم باشند.

25- چرا نامزدهای انتخابات خبرگان باید مجتهد باشند؟ آیا این شرط باعث محروم شدن غیرفقها از حضور در عرصه نامزدی انتخابات مجلس خبرگان نیست؟

باید به این نکته توجه داشت که مجلس خبرگان رهبری جایگاهی تخصصی است که برای انجام مأموریتی خاص و حیاتی تشکیل شده است. بنابراین، باید کسانی در آن مجموعه حاضر باشند که توانایی انجام امور محوله را داشته و مورد اعتماد ملت باشند.

با رجوع به قانون اساسی متوجه می‌شویم که در آن به صراحت، شرایط نمایندگان مجلس خبرگان را بیان نکرده و تعیین آن را مطابق اصل یکصد و هشتم، به خود مجلس خبرگان واگذار کرده است؛ اما با دقت در اصول مربوط، می‌توان کلیاتی را در مورد شرایط اعضای مجلس خبرگان به دست آورد. به ضرورت تناسب وظایفی که بر عهده اعضای خبرگان است درباره صلاحیت‌هایی که باید داشته باشند، می‌توان گفت اعضای مجلس خبرگان

اولاً، باید درجه‌ای از فقاہت و آگاهی بر مسائل سیاسی و اجتماعی روز داشته باشند که قدرت تشخیص صلاحیت ولی فقیه را داشته باشند؛ چرا که نباید فراموش کرد مهم‌ترین مؤلفه رهبری فقاہت است.

ثانیاً، مرتبه‌ای از تقوا داشته باشند که در اظهار نظر خویش، فقط مصالح اسلام و مسلمانان را در نظر گیرند و نه منافع فردی و گروهی را.

26- چرا زن‌ها و افراد غیرروحانی نمی‌توانند نامزد انتخابات خبرگان شوند؟

مطابق با قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری محدودیتی برای حضور غیر روحانیون و زنان در مجلس خبرگان رهبری وجود ندارد. بر اساس اصول 107 و 108 قانون اساسی، قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری به این صورت است که هر فرد دارای شرایط (اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی، اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی‌فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد، بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز، معتقدبودن به نظام جمهوری اسلامی ایران، نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی) می‌تواند کاندیدای شرکت در مجلس خبرگان باشد. به این ترتیب هیچ تأکیدی درباره مرد بودن کاندیداها نشده است و حتی از عبارت رجل سیاسی- عبارتی که در دهه اخیر موجب شکل‌گیری دو نگاه مختلف در خصوص امکان حضور زنان در انتخابات ریاست جمهوری شده است- نیز استفاده نشده است؛ بنابراین دارا بودن شرایط اشاره‌شده کافی است تا زنان نیز همچون مردان برای حضور در این مجلس اثرگذار نامزد شده، آزمون داده و خود را در معرض رأی مردم قرار دهند.

با توجه به اینکه در دهه‌های گذشته آمار حوزه‌های علمیه زنان از ۴۵۰ واحد گذشته است، می‌توان انتظار داشت که در انتخابات آتی تعدادی از این افراد خود را برای ورود به انتخابات آماده کنند.

27- مجلس خبرگان رهبری با چه توجیهی بررسی احراز صلاحیت نامزدهای مجلس

خبرگان را به عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته است؟

مجلس خبرگان رهبری را می‌توان عالی‌ترین نهاد در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی دانست. عالی‌ترین نهادها در همه کشورها برای آنکه منتهی‌الیه استقلال خود را به نمایش بگذارند، قوانین مربوط به خود را به صورت خودمختار و مبتنی بر آیین‌نامه داخلی تنظیم می‌کنند. همین وضعیت برای مجلس خبرگان

رهبري نیز لحاظ شده است. مطابق با اصل 108 قانون اساسي: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهاء اولین شوراي نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبری انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.»

طبق همین اصل بود که فقهای شوراي نگهبان در تاریخ 1359/7/10 اولین قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبري (شامل ۲۱ ماده و ۶ تبصره) را تصویب کردند و امام‌خميني(ره) آن را تصویب نهایی فرمودند تا کار شکل‌گیری مجلس خبرگان رهبري کلید بخورد. (همچنین پیش از تشکیل مجلس خبرگان رهبري، فقهای شوراي نگهبان سه مرتبه در تاریخ‌های 1361/2/8، 1361/5/12، 1361/8/13، نیز این قانون را اصلاح کردند که امام‌خميني(ره) این اصلاحات را نیز تأیید فرمودند.) در نخستین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبري که در ۱۹ آذر ۱۳۶۱ برگزار شد، تشخیص شرایط داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس خبرگان با استادان برجسته درس خارج حوزه‌های علمیه بود که در آن ۱۶۸ نفر برای شرکت در رقابت‌های انتخاباتي نام‌نویسی کردند که از این تعداد ۱۲ نفر رد صلاحیت شدند.

با تشکیل اولین مجلس خبرگان رهبري، تنظیم آیین‌نامه مربوط به مجلس خبرگان رهبري مطابق با اصل 108 قانون اساسي آغاز شد و نمایندگان ضمن تصویب قوانین مختلف به موضوع چگونگی برگزاری انتخابات مجلس خبرگان نیز عنایت داشتند که در این میان مسئله احراز هویت نامزدها و نهادي که صلاحیت بررسی آن را داشته باشد، به مهم‌ترین مسئله بدل شد. در این بین مباحث گوناگونی مطرح شد، اما مبنای کار توجه به دو اصل بود.

الف. نهادي صلاحیت دارد تا صلاحیت نامزدهای انتخاباتي مجلس خبرگان را (که اعضاي آن باید مجتهد باشند) بررسی کند که اعضاي‌شان مجتهد باشند.

ب. نهادی باید متولی این امر شود که از جایگاه حقوقی برخوردار باشد و این امر نمی‌تواند به یک نهاد برون حاکمیتی که جایگاه حقوقی مشخصی ندارد، واگذار شود؛ چرا که چگونه آن مجموعه می‌تواند طرف حساب نهادهای حقوقی حاکمیتی همچون وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی و ... باشد و از آنها درخواست استعلام درباره افراد کند؟

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی پنج مجموعه هستند که هم رسمی - قانونی بوده و هم مجتهد هستند که عبارتند از: 1. رهبری، 2. رئیس قوه قضائیه، 3. رئیس دیوان عالی کشور، 4. دادستان کل کشور، 5. شش فقیه شورای نگهبان. لذا اگر قرار باشد نظارتی بر این انتخابات مجلس خبرگان صورت بگیرد، ناگزیریم که این امر را به یکی از این پنج جایگاه حقوقی واگذار کنیم که بدون شک مناسب‌ترین آنها نهاد شورای نگهبان خواهد بود که هم طبق قانون اساسی، اساساً نهادی نظارتی است و نظارت بر اجرای دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده دارد و برای این کار از سازوکار و تشکیلات کارآزموده برخوردار است، همچنین بر یک فرد تکیه نداشته و شورایی عمل می‌کند.

اینگونه بود که اعضای اولین مجلس خبرگان رهبری پس از بحث و گفت‌وگو و بررسی‌های مختلف، شورای نگهبان را به عنوان متولی این امر برگزیدند، در حالی که هیچ نهاد و جایگاه مناسبی برای سپردن این امر وجود نداشت. پس از بازنگری قانون اساسی در سال 1368 بود که این انتخاب مجلس خبرگان در قانون اساسی هم نمایان شد و اصل 99 قانون اساسی اینگونه اصلاح شد: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.»

28- آیا شبهه دور در مورد انتخابات خبرگان وارد است؟ آیا این شبهه اعتبار

خبرگان را زیر سؤال نمی‌برد؟

یکی از شبهات مطرح در مورد نظام اسلامی و ولایت فقیه به «شبهه دور» شهرت یافته است. این شبهه به طرق مختلفی از جانب منتقدان و مخالفان شورای نگهبان در طول سال‌های اخیر مطرح شده است. شبهه با این مقدمه قابل طرح است که در نظام اسلامی وظیفه خطیر انتخاب، نظارت و عزل رهبری بر عهده مجلس خبرگان رهبری است که این امر را مطابق با قوانین باید انجام دهد. در این میان، اعضای مجلس خبرگان در فرآیندی انتخابی از سوی مردم برگزیده می‌شوند که نظارت بر این انتخابات را شورای نگهبان بر عهده دارد.

محل شبهه اینجاست که شش فقیه شورای نگهبان که وظیفه احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس خبرگان را بر عهده دارند، خودشان از سوی رهبری انتخاب می‌شوند. این در حالی است که در نهایت اعضای مجلس خبرگان قرار است بر رهبری نظارت داشته باشند. این در همین تنیدگی می‌تواند موجب نوعی تبانی به نفع رهبری شود و معنای نظارت بر رهبری را بی‌اعتبار کند! چرا که رهبری می‌تواند افرادی را به عضویت شورای نگهبان درآورد که همسو و همراه و همدل با رهبری باشند. آنان نیز تنها صلاحیت فقهایی را در انتخابات مجلس خبرگان رهبر احراز کنند که با رهبری همسو و همدل و همراه باشند! لذا مجلس خبرگانی شکل گیرد که اعضای آن همگی همسو با رهبری بوده و در نتیجه از انجام وظایف قانونی خود باز خواهند ماند. به واقع این افراد بیش از آنکه وکیل و نماینده مردم باشند، وکیل مدافع رهبری و منصوب ایشان خواهند بود و بر خطاها و خروج از قانون‌های او چشم‌پوشی خواهند کرد. در این شرایط امکان عزل و برکناری چنین رهبری در صورت از دست دادن صلاحیت‌ها هیچ‌گاه ممکن نخواهد شد و حکومت اسلامی را نامشروع و بی‌اعتبار خواهد کرد!

برای آنکه بتوان تا حدودی رفع شبهه کرد و اتهام تبانی در جایگاه نظارت بر رهبری را منتفی کرد، باید به توضیحات زیر توجه کرد:

1. در ارائه پاسخ به این شبهه ابتدا باید اشاره شود که چگونه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری به شورای نگهبان واگذار شد؟ همان طور که اشاره شد، بدون شک مناسبترین نهاد حقوقی که اعضای آن خود از مجتهدان هستند، شورای نگهبان بود که هم طبق قانون اساسی، اساساً نهادی نظارتی است و نظارت بر اجرای دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را نیز بر عهده داشت و برای این کار از سازوکار و تشکیلات کارآزموده برخوردار است، همچنین بر یک فرد تکیه نداشته و شورایی عمل می‌کند و اینگونه بود که اعضای اولین مجلس خبرگان رهبری پس از بحث و گفت‌وگو و بررسی‌های گوناگون، شورای نگهبان را به عنوان متولی این امر برگزیدند و با تغییر قانون اساسی آن را قانونی کردند.

2. شبهه دور با تفسیری که ارائه شد، شبهه‌ای نیست که تنها درباره انتخاب اعضای مجلس خبرگان قابل طرح باشد، بلکه در جاهای دیگری هم نمونه‌های شدیدتر دیگری نیز قابل طرح است که این نگاه در مورد آن سکوت کرده است. برای نمونه، در همه نظام‌های دموکراتیک دنیا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، بر عهده دولت و وزارت کشور است که هم شخص وزیر و هم رئیس ستاد انتخابات را رئیس‌جمهور مستقیم یا غیرمستقیم انتصاب می‌کند. در اینجا نیز امکان تبانی و دخالت جدی در فرآیند انتخابات و تلاش برای به قدرت رسیدن شخص مطلوب و مدنظر جریان حاکم بر دولت وجود دارد. اما در این زمینه اعتراضی مطرح نمی‌شود! چون به خوبی معلوم است که گریزی از این فرآیند وجود ندارد. چرا که هیچ کس جز دولت توانایی اجرای انتخابات را در کشور ندارد و پروسه سنگینی است که حتی اجرای آن از سوی دولت نیز با مشکلات فراوانی همراه است. ضمن آنکه اگر متولی دیگری برای این امر انتخاب شود، باز هم این امر که ممکن است در انتخابات اراده ناظران اعمال شود، وجود دارد. در انتخابات پارلمان نیز همین وضعیت جاری است و برگزاری انتخابات با هر که باشد (معمولاً بر عهده وزارت کشور و دولت است) این امکان برای

آن مجموعه وجود دارد که اعمال نفوذ کرده و جریان و افراد خاص خود را وارد مجلس کند!

3. فراموش نباید کرد که در روند انتخابات، امکان تقلب یا تخلف هیچ وقت به صفر نمی‌رسد، چون این اراده انسانی است که متولی اجرا و نظارت است. اما در انتخابات مجلس خبرگان در نظام جمهوری اسلامی این تخلف به حداقل رسیده است؛ چراکه مجتهدان عادل جامع‌الشرایط این نظارت را برعهده دارند. به واقع، این ضعف موجود با نظارت درونی از سوی افرادی که شهره به علم و عدالت در جامعه هستند تا حد ممکن جبران شده است.

4. قانون موجود قانونی لایتغیر و تابویی تغییرناپذیر نیست و همیشه قابل جابه‌جایی با ایده‌ای بهتر و کارآمدتر است! همانطور که اشاره شد وظیفه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، توسط خود مجلس به فقهای شورای نگهبان واگذار شده است. لذا مجلس هر وقت صلاح بداند و احساس کند که این امر به معضلی جبران‌ناپذیر بدل شده است و شبهات مطروحه موجب بی‌اعتباری این مجلس است، می‌تواند این اختیار را از شورای نگهبان پس گرفته و به مجموعه دیگری تفویض کند؛ اما فراموش نباید کرد که اگر با معضلی مواجه شدیم، وقتی می‌توانیم از تغییر سخن بگوییم که حالت بهتری پیش روی ما باشد و سازوکاری مناسب برای جایگزینی طرح‌ریزی و مشخص شده باشد. وگرنه منطقی نیست که از چاله درآمده و به چاه بیفتیم!

5. یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای مطرح شده برای حذف شورای نگهبان و پایان دادن به شبهه دور، از سوی مجمع روحانیون مبارز در انتخابات دور دوم مجلس خبرگان رهبری در سال 1369 داده شد. این مجمع مدعی بود بررسی صلاحیت نامزدهای مجلس خبرگان بهتر است که از سوی مراجع عظام تقلید صورت گیرد و هر یک از نامزدها که قصد ورود به رقابت را دارند، امضای دو نفر از مراجع عظام تقلید را داشته باشند کفایت می‌کند!

این ایده در حالی مطرح شده است که بررسی کامل تمام شرایط نامزدهای مجلس، از سوی مراجع تقلید ممکن نیست؛ زیرا مراجع تقلید و علما حداکثر فقط صلاحیت علمی افراد را می‌توانند تشخیص دهند؛ ولی شرط داوطلبان خبرگان رهبری فقط فقهی نیست، بلکه شرایط دیگری نیز لازم است که بررسی و تشخیص آنها از سوی مراجع تقلید ممکن نخواهد بود. بدون شک بررسی صلاحیت‌ها نیازمند يك نهاد رسمي و قانوني همچون شورای نگهبان است که علاوه بر شرایط فقهی سایر شرایط را نیز بتواند بررسی کند. افزون بر این، مراجع تقلید که خود نمی‌توانند صلاحیت این همه افراد را تأیید کنند، طبیعی است که این امر به بیوت مراجع عظام سپرده خواهد شد. آنگاه کافی است تصوری از وضعیت پیش آمده داشته باشیم تا معلوم شود با چه نابسامانی در انتخابات مواجه خواهیم بود. به تعبیر یکی از حقوق‌دانان شورای نگهبان: «در انتخابات مجلس شورای اسلامی خیلی از کاندیداها به سراغ مراجع و علمای بزرگ بلاد می‌روند و برگه تأییدیه‌ای را از سوی آنان برای شورای نگهبان می‌آورند، مبنی بر اینکه ایشان مورد تأیید است. اما از سوی دیگر، سوابقی که در مورد برخی افراد به دست ما می‌رسد، نشان می‌دهد که کاندیدای مذکور سوابق بدی هم دارد. حالا با این شرایط آن مرجع تقلید یا علمای بزرگوار بلادی که ایشان را از دور می‌شناسند، از کجا می‌توانند از دادگستری بخواهند که شما سوابق ایشان را به ما بدهید؟ اصلاً از کجا مطلع هستند... ایشان می‌فرمایند که من تأیید کلی نکردم، من حسب ظاهر و آنچه که در اینجا دیده‌ام تأیید کرده‌ام و یا اینکه براساس شهادت یکی از آشنایانش که گفته آدم خوبی است شهادت بر شهادت آن فرد داده‌ام که این هم طبعاً پذیرفته نیست.» (گفت‌وگو با دکتر عباسعلی کدخدایی در باره ابعاد حقوقی انتخابات مجلس خبرگان، کیهان، ش 18391، شنبه 5 آذر 1384)

6. نکته مهم قابل ملاحظه دیگر توجه به این حقیقت است که شورای نگهبان تنها وظیفه نظارت بر انتخابات و احراز صلاحیت نامزدها را بر عهده دارد و در نهایت آنچه اتفاق می‌افتد، مسئله انتخابات است که بازیگر اصلی آن مردم هستند

و این مردم هستند که از میان صاحبان صلاحیت قرار است افرادی را به عنوان نماینده‌شان برگزینند. لذا همچنان حق انتخاب با مردم است و منتخبان ایشان عضو مجلس خبرگان خواهند بود.

7. نکته قابل ملاحظه دیگر آنکه رهبر معظم انقلاب اسلامی از سوی مجلس خبرگانی به عنوان رهبر جمهوری اسلامی برگزیده شد که نظارت بر آن انتخابات و احراز صلاحیت نامزدهای آن را شورایی نگهبان بر عهده نداشت و به طور کلی زمامداری بر عهده حضرت امام خمینی(ره) بود. لذا هیچ شک و شبهه‌ای از این دست در مورد انتخاب ایشان وارد نیست.

رهبر معظم انقلاب خود در این زمینه فرموده‌اند: «این شبهه دُوری هم که گفته‌اند، حرف غلطی است؛ به‌خاطر اینکه این شورایی نگهبان را رهبری فعلی که معین نکرده؛ رهبری قبل معین کرده‌اند. این خبرگانی هم که می‌آیند، نمی‌خواهند که رهبری فعلی را انتخاب کنند؛ رهبری بعد را انتخاب خواهند کرد. این چه دُوری است؟ اگر این رهبری فوت کند، یا به هر دلیل دیگری کنار برود، آنوقت رهبری بعد را آن‌ها انتخاب خواهند کرد، وَاَلَا رهبر فعلی را که نمی‌خواهند انتخاب کنند. بنابراین هیچ دُوری نیست.» (1377/6/22)

29- آیا بومی نبودن نامزدهای انتخابات خبرگان رهبری در دوره‌های گذشته در عمل به معنای عدم شایستگی علمای استان و ناکامی حوزه‌های علمیه متعدد

در استان برای تربیت یک روحانی تراز انقلاب تلقی نمی‌شود؟

مطابق قانون نوشته شده مجلس خبرگان در کنار تصریح به ضرورت برخورداری نمایندگان خبرگان از شرایط خاص برشمرده، این قانون، بر نفي ضرورت بعضی از شرایط تصریح کرده است که از جمله آنان آمده است: «ضرورت ندارد که نمایندگان، ساکن و یا متولد حوزه انتخابیه خود باشند.» در واقع، نمایندگان مجلس خبرگان، وکیل مردم در مسائل مرتبط با شهرستان و شهر آنها نیست؛ بلکه وکیل آنها در سطح ملی و برای انجام امور مرتبط با جایگاه خطیر رهبری جامعه اسلامی است.

30- انتخابات این مرحله از مجلس خبرگان چه اهمیتی دارد؟

این دوره از مجلس خبرگان رهبری با توجه به «مقتضیات و شرایط جدید» اهمیت بسیاری دارد که در ذیل به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ابعاد سازنده مقتضیات جدید اشاره‌ای مختصر می‌شود؛

- مسئله جانشینی در این دوره از مجلس خبرگان رهبری با توجه به استمرار مجلس جدید تا سال 1410 اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند، از سوی دیگر جبهه دشمن به این نتیجه و جمع‌بندی رسیده که دلیل اصلی عدم شکست انقلاب اسلامی، ثبات و پایداری و به بیراهه نرفتن آن با وجود بحران‌ها و تهدیدات سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی تحمیلی به خاطر رهبریت نظام بوده است؛ چراکه جنس رهبری دوم از جنس رهبری اول است. بنابراین دشمن با طراحی و اجرای عملیات آشکار و پنهان در صدد نفوذ و تأثیرگذاری بر مجلس خبرگان رهبری برای تغییر ریل انقلاب اسلامی است.

- با فعالیت‌های رسانه‌ای - تبلیغاتی دشمن در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی برای ذهنیت‌سازی منفی نسبت به نقش و جایگاه مجلس خبرگان، شبهه افکنی در وظایف و سازوکارهای نظارتی و انگاره سازی ذهنی ابهام‌آلود و نامفهوم در مورد اعضای خبرگان، نحوه انتخابات، رابطه خبرگان با رهبری و سایر نهادها و تأیید صلاحیت کاندیداهای خبرگان رهبری توسط شورای نگهبان، حساسیت‌های عمومی پیرامون کم و کیف انتخابات 1402 مجلس خبرگان تشدید شده است.

- با توجه به احتمال موضوعیت یافتن مسئله جانشینی در این دوره از مجلس خبرگان، حضور عالمانه، متعهدانه و پرشور مردم در انتخابات خبرگان علاوه بر اینکه در کیفیت انتخاب مردم تأثیر مثبت دارد و از همه مهم‌تر پشتوانه مردمی مصوبات و تصمیمات مجلس خبرگان در مورد رهبری آینده نظام و سایر مسائل و موضوعات تأمین و به عبارتی

تضمین و تأمین‌کننده مشروعیت و مقبولیت حداکثری اقدامات و نقش‌آفرینی خبرگان در مسائل حساس آینده کشور خواهد شد.

- فقدان شخصیت‌های مؤثر (مثل آقایان هاشمی رفسنجانی، یزدی، مصباح یزدی، مؤمن، هاشمی شاهرودی، امینی، مجتهد شبستری و محمدی‌ری-شهری) که نقش مهم و محوری در مدیریت، بالا بردن اهمیت و جایگاه مجلس خبرگان و همچنین تأثیرگذاری مثبت بر کارکردهای مجلس خبرگان داشتند، ضرورت حضور چهره‌های شناخته شده و توانمند انقلابی برای ایفای نقش مؤثر در مجلس خبرگان را دوچندان می‌کند.

31- آیا در این دوره از انتخابات با چالش مشارکت روبه‌رو هستیم؟

- نکته بسیار مهم این است که انتخابات پیش رو اولین انتخابات مجلس خبرگان پس از سه ناآرامی دی‌ماه 1396، آبان 1398 و پاییز 1401 خواهد بود. تأمل در ماهیت این ناآرامی‌ها و اغتشاشات گویای تغییر ماهیت اغتشاشات و ناآرامی‌ها از مطالبات اقتصادی به ماهیت مطالبات فرهنگی و با قرانت خاص از سبک زندگی جدید است که در تعارض ارزشی با سبک زندگی اسلامی- ایرانی است. بنابراین بخشی از نارضایتی‌هایی که منشأ اقتصادی - معیشتی دارد با اندکی بهبود اوضاع و کاهش تورم و افزایش قدرت خرید مردم امید به کاهش نارضایتی وجود دارد؛ ولی با تقاطع مطالبات سبک زندگی جدید با مطالبات معیشتی وضعیت بغرنجی پیش روی سیاستمداران قرار خواهد گرفت که راهکارهای میان‌مدت و بلندمدتی را می‌طلبد. در چنین وضعیتی، قطعاً اگر پیش از انتخابات و در فرصت باقیمانده به انتخابات تمهیداتی اندیشیده و گشایش‌ها و بارقه‌های امید در جامعه ایجاد نشود، مشارکت در انتخابات پیش رو با چالش احتمالی مواجه خواهد شد. از سوی دیگر با آرایش ضد انتخاباتی جبهه دشمن در فضای مجازی و

رسانه‌ای، مزید بر علت شده و موضوع چالش مشارکت در انتخابات را تشدید خواهد کرد.

- تصویر ذهنی مبهم آحاد جامعه نسبت به نقش و سازوکارهای مجلس خبرگان رهبری و اهمیت آن در نظام اسلامی و از سوی دیگر نبود شفافیت و کم‌اطلاعی از دستور کار صحن، کمیسیون‌ها، مذاکرات و رأی‌گیری و عدم پوشش خبری در صداوسیما، منجر به شکل‌گیری انگاره غائب بودن مجلس خبرگان از سیاست روزمره کشور در ذهنیت مردم شده که این مسئله می‌تواند تا حدودی زمینه‌ساز کاهش رغبت و گرایش مردم نسبت به حضور و مشارکت در انتخابات خبرگان باشد. البته برخی هم معتقدند هم‌زمانی برگزاری انتخابات خبرگان با مجلس شورای اسلامی که ماهیت رأی مردمی بیشتر قومی و محلی است، می‌تواند نگرانی کاهش مشارکت در انتخابات خبرگان را تا حدودی منتفی کند.

- از یک طرف دگرذیسی در پایگاه مردمی روحانیت در اثر تغییر مرجعیت اجتماعی از پایگاه‌های سنتی ارزش فرست مثل مراجع دینی به مرجعیت‌های متکثر اجتماعی نوظهور، مانند سلب‌ریتی‌ها (چهره‌ها) و افراد، جریان‌ها و گروه‌های واگرا با نظام دینی و از طرف دیگر به هم خوردن توازن طبقاتی بین طبقه سنتی و طبقه متوسط نوظهور در فرآیند توسعه در مجموع گرایش به روحانیت به‌عنوان مراجع سنتی ارزش فرست کاهش‌یافته و این امر تأثیر خود را در کاهش استقبال از انتخابات خبرگان رهبری را که همه کاندیداها باید فقیه و مجتهد باشند، به دنبال خواهد داشت.

32- دشمن برای مواجهه با انتخابات خبرگان در اسفند 1402 چه راهبرد و

سناریوهایی را برنامه‌ریزی کرده است؟

اصلی‌ترین سناریوی جبهه دشمن برای انتخابات مجلس خبرگان عبارتند از:

- مشروعیت‌زدایی از فرآیند و فرآورده انتخابات برای اثرگذاری بر تحولات بعدی؛
- راه‌اندازی کمپین‌های تحریم انتخابات و ریزش مشارکت؛
- بالا بردن هزینه اجتماعی رأی دادن؛
- شکاف‌سازی با دوگانه اجتهاد حاکمیتی (آزمون اجتهاد شورای نگهبان) و اجتهاد حوزوی (اجازه اجتهاد از مراجع یا کرسی درس خارج)؛
- نمایش راه افتادن جنگ قدرت (رقابت آیت‌الله‌ها)؛
- هجمه به سازوکار احراز صلاحیت‌ها؛
- تمرکز بر سوژه‌های تخریبی مانند انتشار سؤالات فقهی آزمون اجتهاد و بی‌ربط‌نمایی با نیازهای کشور؛
- تخریب شخصیت‌های اصلی و مؤثر در خبرگان جریان انقلاب؛
- مانور بر انتصاب اعضای خبرگان در مسئولیت‌های دیگر با حکم رهبری؛
- تحریک نامزدهای رد صلاحیت شده به مواضع ساختارشکنانه؛
- طراحی اغتشاشات و ملتهب کردن فرا متن انتخابات؛
- خرابکاری و ناامن‌سازی حوزه‌های رأی‌گیری.

33- برای مقابله با سناریوهای دشمن در عرصه انتخابات خبرگان باید چه اقداماتی

انجام داد؟

مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهبرد مقابله با سناریوی دشمن در انتخابات خبرگان 1402 در وهله اول تمرکز عملیاتی بر پیاده‌سازی چهار راهبرد مورد تأکید رهبر معظم انقلاب؛ 1- مشارکت حداکثری در انتخابات، 2- امنیت انتخابات، 3- سلامت انتخابات و 4- رقابت در انتخابات است. در وهله دوم باید به‌طور دقیق طرح و برنامه رسانه‌ای - تبلیغاتی و عملیاتی دشمن را برای انتخابات مجلس خبرگان رهبری مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار داد و بر اساس آن راهکارها و راهبردهای خنثی‌سازی نقشه دشمن تدوین و به اجرا گذاشته شود. قطعاً دشمن در لایه‌های پنهان به دلیل اهمیت و جایگاه

مجلس خبرگان رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، درصدد تأثیرگذاری بر روندها، فرایندها و نتایج انتخابات با برنامه میان مدت و بلندمدت به شیوه نفوذ و همچنین فعالیت‌های رسانه‌ای- تبلیغاتی است. اما در سطح فعالیت‌های آشکار دشمن عملیات وسیع رسانه‌ای - تبلیغاتی علیه عملکرد و نقش خبرگان، شبهه افکنی در مورد روند و سازوکار انتخابات خبرگان و همچنین اعضای خبرگان رهبری به کار خواهد بست، بنابراین ضرورت دارد آرایش رسانه‌ای- تبیینی متناسب و متناظر به نقشه دشمن در رسانه ملی و فضای مجازی و همچنین جلسات و همایش‌ها اتخاذ شود.

- مشروعیت‌بخشی به روندها، فرآیند و نتایج انتخابات با از بین بردن کم و کاستی‌های انتخابات،
- تلاش مضاعف برای مشارکت در انتخابات و ایجاد فضای رقابتی سالم و حمایت از حضور افراد شاخص و شناخته‌شده،
- تبدیل رأی دادن و مشارکت در انتخابات به یک ارزش اجتماعی،
- جلوگیری از ایجاد شکاف اجتهاد حاکمیتی با اجتهاد حوزوی،
- تلاش برای تبیین منطقی نامزدهای رد صلاحیت شده با ارائه و تبیین دقیق چرایی و علت رد صلاحیت شده‌ها

مهم‌تر از همه تلاش جهادگونه برای پیشینه‌سازی کارآمدی نظام سیاسی در سطوح مختلف و افزایش سرمایه اجتماعی که از یک طرف باعث افزایش امید و اعتماد مردم به حاکمیت و از سوی دیگر باعث کاهش بسترهای داخلی نارضایتی شده و امید دشمن برای ضربه زدن به نظام اسلامی را از بین می‌برد و دامنه تلاش و تحرکات ضد انسانی - اسلامی دشمنان برای ضربه زدن به ملت ایران را می‌کاهد.